

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

امیر محمد کیفی انتیاک ، کالیفورنیا

کنفرانس بین الافغانی = مرگ سیاسی غنی

غنی احمدزی گلون پاره میکند که «هیچ افغانی از افغان دیگر بالاتر نیست »وتمام اقوام نجیب افغانستان باهم برابر اند. بسیارگفتار خوب ومعقول. اما درعمل ماشاهد فریبکاری، منافقت، تعصب قومی، برتری یک قوم از دیگران بوده ایم .

فرزندان جوان ورشید این کشور هرروز ازطرف طالبان، این گروه نابکار، متعصب، متحجر ویسگرا به خون وخاک آغشته میشوند. بطورنمونه روز۲۵ آگست۲۰۲۰درامام صاحب ولایت قندوز حملات طالبان وحشی بر یک پوسته که درآن هفده نفر ازقوای امنیتی حضورداشتند، صورت میگیرد سه نفررا کشته وپنج نفر راباخودمی برندودیگران موفق به فرارمیشوند. از جانب رئیس جمهوراحمدزی پنج هزارطالب را ازبند رهامی کند ! آیاکسی پرسیده است که فرزندان آقای غنی کجاهستند؟ این آقادرفرزنددارد طارق غنی که به علم ومعرفت سروکاردارد ودستیاریک استاددانشکده ای درایالت مساجوست، ومیریم غنی مصروف فلم سازی، عکاسی به ارتباط هنرهای زیبا در نیویارک میباشند.

غنی احمدزی دومعاون داردکه معاون اولش امرالله صالح ومعاون دومش محمدسروردانش میباشند. ازنظرمن آقای دانش یک شخص سست عنصر passiveوآقای صالح یک شخص فرصت طلب opportunistهستند. سروردانش همیشه درصحنهای خود ازروش حکیمانۀ بهلول حکیم پیروی می کندوهرگردانمۀ صحبت خودرا ازحیطۀ نصیحت بیرون نمی کشاند. بلی این شخص خاموش است وبرایش فرقی نمیکند که درمحلات مرکزی کشورچه میگذرد؟ اینکه کوچیان مال وزمین وعلفچرهای مردمان بومی رابه زوراسلحه تصاحب کرده اند برایش بی اهمیت است وفقط حفظ چوکی ومعاون صاحب گفتن بارزشر از دیگرمسایل می باشد ، لذا می توان وی رایک مردۀ متحرک نامید !

این آقای امرالله صالح قبل ازااینکه معاون اول تعیین شود، از منتقدین دو آتشۀ نظام اداری آن بود. پس ازاین که احمدزی اورا دردام انداخت ومعاون اول خودساخت، ماننداین که آب بالای آتش انداخته شود خاموش شد ! گاه گاهی درمجالس دیده میشود دررکاب احمدزی به چاپلوسی وبوت پاکی مشغول است !

امرالله خان نمی داندکه آمرش هدایت حمله زمینی وهوایی را برای دستگیری شخصی بنام کرام الدین کرام درپنجشیر براه می اندازد، بدون این که اداره چیان محلی چون والی وقوماندان امنیه خبرباشند ! اوخوب می داند که پنجشیراین دژ افسانوی وقهرمانی های احمدشاه مسعود که درج تاریخ معاصرافغانستان به خط زرین است، تحمل زورگویی واقدامات مسلحانه را ندارد. مردم بادیانث وخداپرست پنجشیریک باردیگرتابث ساختند که نمی توان به زوراسلحه و آنچه که حکومت میخواست بدست آورد . قوای زمینی وهوایی نتوانست کرام الدین کرام رادستگیر کند .

کرام الدین کی هست؟ چه گناهی کرده؟ این شخص رئیس فدراسیون فوتبال درالمپیک کشوربود . یک خانم به اسم خالده پوپل یکتن ازبازیکنان تیم فوتبال خانم های افغانستان درسال ۲۰۱۶ به اروپا مهاجرشد، ودرسال ۲۰۱۸دربیک مصاحبه باروزنامۀ گاردین انگلستان ادعا نمود وکرام الدین کرام را متهم به استفاده جنسی کرد. موضوع همگانی شد وبالاخره المپیک بین المللی وی رامحکوم وبه جریمۀ حدود یک ملیون دالرمکلف ساخت. کرام الدین به پنجشیرفرار کرد ودادستان (سارنوال) حکم دستگیری راصادرکرد!

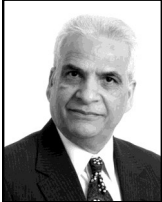
آقایان صالح و دانش شمانمی داندیک درمقابل هزاره های بیدفاع دایمراد، سرجنگل، جاغوری وغیره محلات جنگ بین کوچی ها ومردم بومی دوام دارد. اسلحه سبک وسنگین کوچیهابه محلات مرکزی رسانیده میشود و این کارمدتهاست که ادامه یافته است وشماخاموش ! تاکی این قتل وكشتار تاکی این وروداسلحۀ پاکستانی برای نابودی مالی وجانی مردم دنباله می یابد؟ چراجلوآن گرفته نمی شود؟

بنام خدا

شمارۀ ۱۰۷۴

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری



خانه، موتر، صحت

بزرگداشت قهرمان ملی

جهت بزرگداشت مقام رفیع شهیداحمدشاه مسعود وهفته شهید، گرد همآیی عده ازم میهنان باشنده ایالات ورجینیا ومریلند وشهرواشنگتن دی سی، برگزارشد.
خلاف هژده سال پیش، نسبت مقررات بهداشتی بخاطر مرض کرونا، تعداد حضار کمتر ازیک صد نفربود، که بافاصلۀ لازم ازیکدیگر در سالون نشستند.

بازهم خلاف معهود، این خاکسار، محمصدقی کوشان مدیر هفته نامه امید که درتمام محافل قبلی حضورفعال داشت و هفت سال به تنهایی گردانندۀ محفل بودم ودرهشت محفل یکی ازبانوان دانشمندجامعۀ افغانی بنده راهمراهی نمودند، روزشنبه۱۲ سپتمبربه تب شدید وسرردری زیادی دچارشدم و ناچارروز۱۳ سپتمبرنتوانستم درکناردوستان باشم. اماخوشبختانه خواهرم بانو أمیمه فرزادکوشان که ازکالیفورنیآمده، محفل بزرگداشت آمرصاحب شهید راگرداندگی نمود، وگزارش کوتاهی را برای امید تهیه کرد، که با ابراز امتنان از ایشان ذیلا به تشرمی رسد:

محفلی که بمناسبت تجلیل از نزدهمین سالروز شهادت بزرگمرد جهاد بر حق افغانستان جناب آمر صاحب احمد شاه مسعود دوی بعدازظهر۱۳ سپتمبر سال ۲۰۲۰ عیسوی در شهر هنریکو ایالت ویرجینیای ایالات متحده امریکا برگزار گردید، با تلاوت آیات قرآن مجید توسط محترم انجنیر اکبرمجبی آغازشد. بعدا سرود ملی بخش گردید.

سخنرناها به نوبت باتجلیل از زحمات و رشادت های بی نظیرآن ابرمرد در راستای آزادی وطن از چنک دو تجاوز سرخ و سیاه، جانبازی ها وخدمات آمرصاحب شهید معلومات ارائه نمودند، که شامل جنابان محترم : ۱- راز محمد احمدی ۲- حاجی ذبیح جاوید ۳- عبدالهادی نجرابی وزیر مختار سفارت افغانستان در واشنگتن ۴- داکتر مهدیار مستشارسفارت افغانستان درواشنگتن ۵- جانناد خان سپین غر ۶- دگروال محمدسعیدکوهستانی ۷- مسعود احمدی ۸- محمد صابر ناصری ۹- گل رحمان وفا ۱۰- پرویز هادی بود.

دعای ختمانه توسط آقای داکتر مهدیارتقدیم شد ومحفل با صرف غذا به پایان رسید ./

ازطرف نادرشاه، ظاهرشاه، محمدداؤوده رتبه های اعزازی فرقه مشری مفتخرشدند وعده هم درسمت شمال بخصوص دشت ارچی زمین نصیب شان گردید.
آیا درمقابل این لک بخشی ویعبدالتی اقوام تاجیک، اوزبک، هزاره وغیره کدام عکس العملی نشان دادند؟ درحالیکه مردمان مرکزافغانستان درغارهازندگی میکردند، نان نداشتند سرک نداشتند وبطورکلی اززندگی بدوی یک قدم بسوی حیات بهتررهنمایی نشدند، چه رسدبه مکتب، شفاخانه، کلینیک وچیزهای ضروری دیگر !

حرکات بی ادبانۀ حاجی محمدحسن احمدزی که منتهای عصبانیت، قهر و غضب وعقده مندی اش راتبارز میداد منحصربه فرد نبود، این نوع ذهنیت درافکارعلما وچیزفهم های این مردم مانندجنرال طاقت، اسماعیل یون، پوهاند رشاد، پوهاند رشتین، قیام الدین خادم، ارسلان سلیمی، پوهاندحسن کاکر، پوهاندعبدالحی حبیبی وغیره وجود داشته وکسانیکه زنده نیستند آثارشان شاهد این مدعاست .

بامارشال شدن دوستم آسمان به زمین نخورد، ولی بادادن زمین وبول بیت المال برای فرقه مشرهای اعزازی دردشت ارچی بیش ازنیم قرن اخیر لانه های شر وشرارت درآن مناطق قابل لمس است، وهرروز اخبارجنگ و قتل وكشتار رازآن منطقه ومناطق همجوار شنیده میشود. امروز که ریشۀ طالبان کنده شده نمی تواند بخاطری که پایگاههای مردمی دارند که نسلهای ناقلین اعزازی دراین اصل نقش دارند.

آقای غنی احمدزی خوب میدانند که (صفحه هشتم)

در امریکانه

\$1.50

شمارۀ ششم / سال بیست و نهم / ۳۰ سنبله ۱۳۹۹ / ۲۱ سپتمبر ۲۰۲۰ / شمارۀ مسلسل ۱۰۷۴

سخن حکیمانه

با هیچ کس بر سر باورش نمی جنگم ، چرا که خدای هر کس همان است

که درونش می گوید ! کوروش کبیر

تا به کی نارامی هادرقندوز، بغلان مرکزی، سمنگان، تاله وبرفک، کیله گی، نهرین، اشکمش، ینگى قلعه، دشت قلعه، امام صاحب، خان آباد، بلخ، بالامرغاب وغیره دوام کند وفرزندان این سرزمین به خاک وخون آغشته شوند؟
تابه کی دندغوری، دند شهاب الدین، چشمۀ شیر، درۀ صوف، بلخاب وغیره زیرادارۀ طالبان باشند !؟

شمابحیث معاونان رئیس جمهور کدام صلاحیتی دارید یانه؟ اگرندارید چرا؟ واگردارید چراعمل نمی کنید؟
دراین جنگهاعساکروقوای امنیتی طبیعی است که یکتعداد دشمنان رامی کشندویک تعداد راهم دستگیرمیکند، اماچرا مغزمتفکردوم جهان ایشان راباحرمت وعزت ازحبس رهامیکند. شماگاهی از اوسئوال کرده اید که چرا؟ ازطرف دیگرآمرشما غنی احمدزی میگوید اگر محبوسین باقی مانده راکه حدودسه صدنفرمیشوند آزاد کند،بازارهای اروپا پر ازموادمخدر خواهد شد ! عجب؟ طالبی که به اصطلاح خرنلگ ندارد چطور میتواند درصورت آزادشدن اززندان یکدم بازارهای اروپا را موادمخدر پرکند؟
آیا همین حرف بی مفهوم نیست؟
آیا هلمند، قندهار، ارزگان، فراه ونیمروز جزوقلمروحکومت شما نیست ؟

پس معلوم میشودکه غنی احمدزی بجز ازحرف دروغ وشیطنت و فریب کاری دیگرچیزی به گفتن ندارد.
آقای غنی احمدزی بایدبه مردم دروغ نگویی، اگر ازادارۀ کشورعاجز هستی، که هستی، بهترآنتست که اداره امور را به معاونان خودبسپاری وچندروزی که اززندگی ات باقی مانده بدون دردسر کناردوستان غربی ات بگذران ! غنی احمدزی اگریادات باشد که نیست!
به تاریخ ۱۲۵اکتوبر۲۰۱۶به نامه نگاری بی سی گفته بودی: بدترین وظیفه در افغانستان ریاست جمهوری است ! اگرچنین است چرا مانند چلباسه خودرا به چوکی محکم چسپانده ای، لذا این هم یک دروغ دیگر .

بامارشال شدم دوستم عقده های حقارت به جوش میآید، لنگی برزمین زده میشود، پیراهن وایزارکشیده میشود ونثارعبدالله ومحقق ودوستم میگردد!
نزدیک بود که این حرکت بی ادبانه به یک فرهنگ تبدیل شود.
آقای حاجی محمدحسن احمدزی، علمبرداراین حرکت مضحک وخنده آور و گریه داربود.
وی بااین عمل خود تعصب قومی، قبیلولی وزبانی وبرتری جویی رابه نمایش گذاشت، اوچنان قهربود که حتی غنی احمدزی را ایزک گفت و کافرخطاب کرد، عبدالله راکافرگفت، دوستم را کافرگفت!
نامبرده به یک بُرس روی همه خط بطلان کشید، خود وقوم خودرا سچه ومسلمان واقعی معرفی کرد.
اوفراموش کرده بودکه اگرغنی احمدزی ایزک هست ازقوم خودش هست، اگرکافرهست ازقوم خودش هست، اگراحیانا ایزک بودن غنی راقبول کنیم، فرزندان او بایدفرزندان اصلی نباشند، پس پدراینهاکیست؟ اگراینهاخبرشوند که پدرشان ایزک بوده، چه خواهند گفت !؟

حاجی محمدحسن احمدزی خوب میدانند که کاکایش به اسم شاه جان احمدزی صاحب سرمایه ومال ومنال فراوان بود، خاندان آل یحیا درانکشاف وتوسعۀ سرمایۀ او نقش عمده داشتند، بویژه درخصوص ترانسپورتش.
درآن زمان حکومت وقت مانندحاتم طایی لک بخشی هاکردند.
شکریبغلان، محصولات نساجی های پلخمیری وگلبدار نثارقدم های خانهای دوسره و رهبران قومی آنطرف سرحد میشد به امیداینکه ازداعیۀ پشتونستان حمایت کنند که هرگزنکردند.
آنان تاتوانستند ازسست عنصربودن حکومت افغانستان به نفع خود وپاکستان سودبردند.
آنهاهم به میخ میزدند وهم به نعل!
حکومتهای بیکفایت افغانستان را جانانه فریب دادند وازسرمایه های بادآورده ازافغانستان درانکشاف پاکستان نقش خوب بازی کردند، حتی یکبارهم نشد که اززبان شان جواب مثبت درمورد داعیۀ پشتونستان شنیده شود.

حاجی احمدزی فراموش کرده که به دههانفر ازسران اقوام وخواینن جاجی، منگل، شنوار، مهمند، سلیمان خیل وغیره

انجنیر عبدالصبور فروزان استادیونیورستی نیوجرسی

صفحهٔ از زندگی عقاب هندوکش احمدشاه مسعود (رح)

بخش اول: سال ۱۹۸۲ سالی بود که زمستانش اززمستان سالهای گذشته فرق داشت. ریزش برف به اندازهٔ بود که راههای رفت وآمدمجاهدین را از پنجشیر به مناطق دیگر و از مناطق دیگر به پنجشیر مسدود ساخته بود. اندراب، تخار، تالقان، بدخشان حتی پروان و کاپیسا که جبهات مسعود دربراقشون سرخ بودند، ازهم منزوی ودچار کمبودموادغذایی، سلاح ومهمات گردیده بود. مسعود درسه سال ازآغازحملهٔ شوروی بروطن ما، ضربات شدیدی به قشون سرخ واردکرده وزمینه رابالای آنها به اندازهٔ ضیق ساخته بود که فرمان رویان کرملین به این عقیده رسیدند که تامسعود ازبین برده نشود، آنان در افغانستان نه تنها به موفقیتی نایل شده نمیتوانند بلکه ناکامی راهم باید انتظار داشته باشند . جنرال گروموف درکتاب خودتحت عنوان «ارتش سرخ در افغانستان» نوشته است «:به یقین که گماشتگان کی جی بی اعتبارخود را از دست داده وارزش شان پایین افتاده بود. آنهادهامرتبه به مسکو اخبارکردند که مسعودکشته شده است، ولی بازمیدیدیم که مسعودگاه ازیک منطقه وگاه ازنطقهٔ دیگرسربلند می کرد. «این جنرال روسی که شهامت ودلیری مسعود موجبات حیرت اورا بارآورده بود، میگوید «بهرحال بصورت مجموع باید گفت که عملیات جنگی برضداحمدشاه مسعود برای مادشوارترین وپیچیده ترین عملیات جنگی بود. »

درسه سال آغازحملهٔ قشون سرخ، مسعودمتواترحملات چریکی برقطعات جزوتامها وقطارهای ترانسپورتی نظامی روسها انجام داد که ازشوارترین روز هابرای مسعود شمرده می شد. درهربار ضربات شدید وسنگینی به روسهواوارد میساخت ودرهرحمله صدهاتن ازجنگجویان آنهاکشته، صدهاعراده تانک، تعداد عظیم وسایط جنگی شان منهدم وبه اندازهٔ وسیع مهمات آنان بدست مسعود می افتید. درهربرخورد بامسعود روسهابه اندازهٔ ضربه میخوردند که عساکرشان ازترس وواهمه ازرسانکهای شان خود رازنده به دریای پنجشیر می انداختند که همه غرق شده ازبین میرفتند .

این سه سال اول حملهٔ روسهازاهمیت خاصی برخورداراست، طوریکه درطی آن مسعود باشهامت ودلیری به آنهاثابت ساخت که انظوریکه دولتمداران روسی درکرملین تصورمیکردند که اشغال افغانستان به مقایسهٔ عظمت قشون سرخ که دنیای غرب بشمول امریکا رابه لرزه انداخته بود، چیزی است که حتی فکرکردن درموردش لازم نیست، نبوده بلکه باپوست و استخوان ناتوانی خویش رااحساس کردندواکثرجنرالهای روسی بشمول جنرال اناتولی معتقدشدند که حمله به افغانستان یک اشتباه محض بود که ازخودخواهی برژنف منشأ گرفته بود .

برژتف ازحملات مسعود برقطارهای نظامی واکمالاتی قشون سرخ در شاهراه سالنگ که به شاهرگ دولت کمونیستی کابل مشهوربود، واز شکست های پیاپی عساکرروس درپنجشیر ازدرد وحسرت مانند مارزخمی بخودمی پیچید، حتی ازانام مسعودخوشش نمی آمد وپیاپی فرمان میداد که بهرقیمتی می شود مسعودرا بایدنابودکرد. نبی عظیمی یکی ازجنرالهای نامداروصاحب رسوخ دردولت آنوقت افغانستان درکتابش تحت عنوان «اردو وسیاست «نوشت: «مسعود بانکتیکهای سادهٔ چریکی یعنی جنگ وگریز دردرهٔ سالنگ یک سلسله عملیاتهای موفقانه رادرسال ۱۹۸۲آغاز کرد وتوانست قطارهای اکمالاتی روسهارابه آتش بکشد. حملات بالای نساجی گلپهار ونساجی جبل السراج، انداختهای متواتر وپیوسته برمیدان هوایی بگرام کارهرروزهٔ مسعود گردید. این حملات روسها رابه خشم آورد وعملیات وسیع وتمام عیار را بالای درهٔ پنجشیر دراواسط سال ۱۹۸۲ پلانگزاری کردند. »

باید یادآورشد که این درگیری باقشون سرخ برای مسعودهم آسان نبود و باگذشت هرروز فشاربیشتری بالایش وارد میشد وزمینة بقا وزندگی برایش ضیق ترمی گردید. اکسا وخاد گماشتگان خودراازمیان مردم پنجشیر برگزیده بودند وآنهامسعود

راسایه وار تعقیب میکردند تاازبین ببرند، یاحداقل به او آسیب برسانند. یکی ازین جواسیس رامسعود بالفعل گرفتارکرد، نامبرده به جرم ماموریتی که موظف شده بود اعتراف کردکه جزای آن درقوانین مدنی اعدام یاحبس دایمی می باشد . مسعودبعوض اینکه آن جاسوس را اعدام نماید یا جزای دیگری دهد، تفنگچه اش رازنزدش گرفت وبرایش گفت « وطندار این کارهافایده ندارد، بروکاری برای خودپیداکن که درآن خیرمردم باشد. !»ورهایش کرد .

جاسوس دیگری که مسعودبه اواعتماد داشت وهمواره مهمانی اورامی پذیرفت، توظیف شده بود که مسعود را مسموم سازد ودرگیلاس شیری که به مسعودتعارف کرده بود زهرانداخته بود. وقتی مسعودگیلاس شیرا برداشت و به دهنش برد که بنوشد، آن جاسوس خیز زدوفورأ گیلاس شیر رازدست مسعود بگرفت، شیون وگریه هاکرد ودرپاهای مسعودخود را انداخت که مرا ببخش که مرابازی داده بودند که ترازهر بدهم وبکشم. مسعود اورابخشیدو تا اخیرعمر ازآن یادنکردتا آن شخص خجالت نکشد .

گلبدین که خصومت دیرینه بامسعود داشت ودردعای شیاروزی خود نابودی مسعود را استدعامیکرد، در تروروقتل او طرحایی ریخت که دریکی ازآنها سیدجمال رابعدهٔ دیگری ازجنایتکاران خودهدایت داد تامسعود را ترور نماید. قضیه ازاین قراربود که قوماندانهاو فرماندهان برجسته می خواستند درفرخارگردهمآیی داشته وامکانات همکاری وهما هنگی های بیشترنظامی را دربین خویش مورد بحث وگفتگو قراردهند. سیدجمال که به سیدجمال هزاره معروف بود وبکی ازقوماندانهای گلبدین دربخشی ازفرخاربود، ازگلبدین اطلاع می یابدکه قوماندانهای برجستهٔ جمعیت میخواهند که درفرخاربروند که درمیان آنهامسعودهم است .

سیدجمال هزاره دراقرارنامه اش میگوید: «رهبر (گلبدین) برایم شخصاً متاebre کرد که یک کاروان قوماندانهای جمعیت به فرخارمی آیند ومجلس میکنند که درین آنهامسعودهم است. تدابیرطوری اتخاذکن که وقتی وارد درهٔ فرخار میشوند بالای کاروان شلیک کن وهدف اساسی ات آن باشد که درین عملیات مسعود جان به سلامت نبرد. مو ترحامل اورا تا که میتوانی مرمی باران کن که اثری از اوباقی نماند. »

سیدجمال دراقرارنامهٔ خودادامه میدهد: «رهبراین هدایت رایک هفته پیش از رسیدن کاروان برایم داد وتاکید کرد که اجزئیات پلان بایدهیچکس خبرنشود. من معاون خودملامحمدشاه راهدایت دادم که مجاهدینی که در انداخت مهارت بیشتردارند جمع نماید، پلان راطرح کردم، منطقه رامطالعه کردم وهمة افراد راجابجا ساختم وطبق هدایت رهبر جزئیات پلان رابه کسی حتی به ملامحمدشاه هم نگفتم. وقت موعود رسید، کاروان نمایان شدوهمه به یکبارگی برکاروان فیرکردیم ودرظرف کمترایک ساعت همهچیزخاموش شد، ولی بعدهادریافتیم که مسعود درکاروان نبود .»

بعدها احمدشاه مسعود دریک حمله سیدجمال هزاره ملامحمدشاه را دستگیر کرد، درحمله سیدجمال بیست وهشت قوماندان برجستهٔ جمعیت از قبیل قاضی اسلام الدین، داکترحسین، ملاعبدالودود، داکتردانشی شهید شدند، بیست نفریادیگاران آن قوماندانان نیز شهیدشدند. ازجملهٔ مجاهدین بادیگار داوود (جنرال داوود داوود که زلمی ویسا به دستورحامدکرزی اورا درتخار ترور کرد) زنده ماند. سیدجمال ومحمدشاه به محاکمه کشانیده شدن، اسناد و مدارک وشواهدهمه جمع آورشد وسیدجمال هم به قصورخود اعتراف کرد و ملاشاه محمدگفت که اوازقضیه خبرنداشت، چون سیدجمال قوماندان او بود، مجبوربودرچی که اوامرکند همانطورباید میکرد. قاضی حکم اعدام آنها را صادر کرد، ولی مسعودآنها را برای یکسال نگهداشت که قضیه خوب روشن شود و کدام یبعدالتی صورت نگیرد .

هیئتئ ازپشاور برای بررسی آمد که دررأس آن مرحوم حضرت صبغت الله مجددی بود. ایشان قضیه رابرسی همه جانبه کردند، مدارک و اسناد را مطالعه کردند، شهادت شواهد واقرارمجرمین رادوباره شنیدند. بعد از مطالعات دقیق وغوروتحقیق رئیس هیئت اعلان کرد که محاکمهٔ قاضی درحق مجرمین مطابق شریعت است و حکم اعدام سیدجمال هزاره و ملا شاه محمد راتایید نمود . مسعود درمجلس حاضرشد وگفت که باوجودی که این پلان سوءقصد به جان من بود، من هردوقاتل رامی بخشم، ولی درموردآنها یی که شهیدشده اند من یخوداین حق رانمیدهم، هرچه هیئت حکم میکند برای من قابل قبول است . اگرهیئت آنها رامی بخشد من کدام اعتراضی ندارم .

ستایش ویژه

تقدیم به احمد شاه مسعود

ازان جایی که احمد شاه مسعود، از جمله بنیادگذاران مقاومت علیه تجاوز شوروی دردههٔ ۸۰ و سپس برضدطالبان والقاعده در دهه ۹۰ بود و، از آن جایی که احمد شاه مسعود به پاس دستآوردهایش برای برپایی افغانستان مستقل، به عنوان یک رهبرچریکی افسانوی وضد کمونسـم شناخته میشود و، از آن جایی که جانفشانی بی نظیراحمد شاه مسعود به مردم وکشورش سبب ماندگاری میراثش بعداز ترور او توسط القاعده فقط دوروزپیش از ۱۱سپتمبر شده است و،

از آن جایی که احمد شاه مسعود مایه الهام تاسیس بنیاد مسعود در امریکا، که درجهت رشد جامعه افغانی خارج از کشور وبهبودیوند میان افغانستان وامریکا تلاش می ورزد، بوده است، لذا حالا ابراز میگردد که بنده، وکیل سکات شرمن، ازجانب شهر سانـدیاگو وساکـنان با افتخارناحیه هفتم، چهارشنبه ۹سپتمبر ۲۰۲۰ را «روزاحمدشاه مسعود»اعلام می نمایم.

سکات شرمن ، وکیل ناحیه هفتم ، ۹ سپتمبر ۲۰۲۰

اعلامیه انجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان

دراین مرحلهٔ حساس وسرنوشت سازکشور که موضوع صلح ومذاکره با طالبان در دوحه پایتخت قطر، بااشتراک نمایندگان ملی و بین المللی جریان دارد، شورای عالی انجمن، که ازبیش ازبیست سال، برپایه های محکم عدالت اجتماعی، تمامیت ارضی، وطن مشترک افغانها (وحدت ملی) و دموکراسی استوار است، موادمعهٔ ذیل رابه سمع اشتراک کنندگان جلسات مربوطه و دست اندرکاران این رویداد تاریخی می رساند ک

۱- تازمانیکه طرفین هیئت افغانی و طالبان بدون تمایلات خاص سیاسی، فردی وگروهی، به دستآورد مثبت این رویداد که دررأس آن آتش بس و قطع جنگ وخونریزی قراردارد، باور وتصمیم قاطع نداشته باشند، و ازتعقیب ذهنیت های تحمیلی ضد صلح دست نکشند، کدام نتیجهٔ مثبت مطابق خواست مردم ستمدیده وجنگزدهٔ کشورحاصل نخواهد شد.

۲- درتمام مذاکرات مواد قانون اساسی افغانستان که همه به آن متکی می باشند، مدنظرقرار بگیرد .

۳- عنوان (جمهوری اسلامی افغانستان) بدون کدام تغییر درمذاکرات در نظرگرفته شود .

۴- آتش بس سرتاسری، که انجمن سابقاً نیزپشتیبانی خود را دراعلامیهٔ درجریدهٔ وزین امید تذ کزداده است، با قطع حملات خصومت بار وجنگ و خونریزی انفاذ گردد .

۵ - حقوق مدنی زنان که نصف جامعهٔ افغانستان راتشکیل میدهند و در این چندسال اخیرصاحب دستآوردهای مثبت ومفید اجتماعی وکاردانی درراه صلح را واجد میباشند، جداً مراعات شود . همچنان که آزادی بیان بااحترام به موازین اخلاق جامعه .

۶- همسایگان افغانستان، ایران وخاصتاً پاکستان که باطالبان مراودات سابقه وپرنفوذ دارند، پشتیبانی قاطع خود را از روندصلح ابراز بدارند.

۷- نهادهای ملی و بین المللی که درجلسات اشتراک دارند، مواد فوق الذکر را درقطعهنامهٔ نهایی مدنظر داشته باشند.

دارالانشاء انجمن ، سپتمبر ۲۰۲۰

رئیس انجمن، پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی

سیدجمال هزاره درچمن تخار اعدام شد ولی ملاشاه محمـدنسبت اینکه از پلان ترورمسعودواقف نبود، به وساطت مسعودبخشیده شد. مسعودوقتی به کابل آمد ملاشاه محمـدرا نیزیکابل خواست، باو کمک ها کرد، اوازمسعود تقاضا نمود که اگر به بیت الله شریف او راروان کند ومسعود اورا به حج خانهٔ کعبه هم روان کرد. این یک نمونهٔ کوچکی ازبرخورد مسعود وگذشت او بود.

مسعود درشبات سی آی ای درپشاور واسلام آبادشخص نامطلوب قلمداد شده بود وهمکاری مالی وتسلیحاتی رادافترسی آی ای برای اومباح میدانستند واز آن خودداری میکردند. (حامدکرزی دراین کارشکنی هادست داشت، اودراسلام آباد دفتری داشت وپولهای سی آی ای رابه مجاهدین توزیع میکرد، اسم مستعارش در سی آی ای «کوچی گوربلا «بود! (مراجعه شود به کتاب (تجاری ازافغانستان) نوشتهٔ دانشمندگرامی پروفیسرداکتر حمید هادی)

طوریکه قیلاتذکر دادیم، سازمان جاسوسی آی ای آی طرح هایی برای ترورمسعودداشت به بهانه های (صفحهٔ هشتم)

داکتر غلام محمد دستگیر بroomفیلده، کولورادو **ماه سپتمبر سال ۲۰۲۰ فراموش ناشدنست** دوستان ارجمند، در ماه سپتمبر سال جاری رویداد ها و حوادثی رخ داده که ثبت اوراق تاریخ بشرمیگردد. این ماه شروع شد با هفتهٔ شهداء و یادبود نوزدهمین سالروز آمرصاحب شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان. به تعقیب با همان درازی ایام از سالروز ۹/۱۱ که حاصل انسان کشی یک طبقه دهشت افگنان تروریست های بی مسلک و بی پرنسیپ بود یاد دهانی شد. شام ۳۰ دسمبر ۲۰۱۹م به اینطرف شیوع ویروس جهانسوز کورونا اعلان شد که کُذ آن COVID – 19تثبیت گردید. در روز شنبه ۱۲ ماه سپتمبر مجالس بین الافغانی طالب و دولت جمهوری افغا نستان آغاز یافت. آنچه که برایما داکتران طب دلچسپ بود بعد از بیست سال دولت وضعیت دلخراش صحنی را جدی گرفت وبا داکتران افغانستانی در اروپا، امریکا، استرالیا، کانادا و هر جایی دیگر دنیا به تماس آمدند و طلب همکاری کردند. ولی دلخراش تر و متضررتر هماناحریق قسمتهای زیادکالیفورنیا و کولورادو ودیگرایالات غربی امریکاست. از جانب دیگر در حوالی گلف مکسیکو طوفان های موسمی است که یکی پی دیگر خطرات زیاد سبب شده اند.

ازحالت زارمسلمانان دریمن و فافگی اطفال، در میانمار، ازکشتاروتجاوز برمال و منال مسلمانان در چین، از محبوس ساختن شان در کمپ های تادیب و در سوریه قیام به مقابل زعامت بشرالاسد رئیس جمهور آنکشور، در ایران دکتاتوری آخوندی، در هرکنج و کنار خوار و زار روزها را با صبر و حوصله شام میسازند که برای جهان دموکراتیک خجالت است. همهٔ این حوادث در روزهایی صورت میگیردکه ماه سپتمبر هنور نصف نشده واگر زمامداران ممالک این حوادث محیطی واقلمی راسرسی میندارند به مردم و نسل آیندهٔ خود خیانت شرمسار کننده درآستین دارند. میخواهم در بارهٔ بعضی ازین موارد کمی بیشتر صحبت نمائیم:

قهرمان ملی افغانستان شهید احمد شاه مسعود، در راه نجات وطن و حفظ استقلال و خود ارادیت آن جان شрін خود را فدا ساخت. دراکثریت این نوزده سال تا که صحت نورمال بود در تالار زیبای «چیری بلاسم» شرکت ورزیده و گفته های به مدیریت مجلس توسط فاضل دانشمند دوستدار راه آمرصاحب شهید، محمد قری کوشان تقدیم نموده ازغذاهای لذیذ چیری بلاسم و دیدار دوستان حظ جانانه برده ام.

امروز موقعیت، شجاعت، وطندوستی، مقابله با دشمنان دین و دنیای افغانستان، قدرت جنگ های گوریلایی، دینداری و احساس بشردوستی وی در چوکات اخلاق جنگ زبانزد خواص و عوام بوده با تکت های پوستی نامش شهرة آفاق و ماندگار ابدی شد که افتخار فرد فرد افغانستانی هاست. ولی آنچه درروزهای یاد بود ان سردار سربکف جهاد، ازروش و سنت وی دوری جسته، شده جوانان با هیجانات و احساسات بیش از حد به سرک ها و جاده با سرو صدا برآمده بودند، مایهٔ تشویشم را بار آورده است. این نوع روش هم سبب اذیت مردم میشود وهم تبر دشمن را دسته میدهند تا بر بنیاد مسعودشهیدوکارکنان آن مخصوصاسفیرصاحب احمدولی مسعود خرده گیرند و سخنان ته و بالا نثار کنند که نه به شخصیت وی به حیث یکفرد افغانستانی وطندوست و محترم می سزد و نه به مقام مسعود شهید؛ این تخطی از نورم! رسیدن به کاروان اهداف، موفقیت آن بنیاد را فرسخ ها به عقب پس می رانند .

سال آینده ممکن من حیات نداشته باشم اما شما جوانان که امید همهٔ افغانستانی ها هستید جور و صحتمند و فعال میباشید، لطفاً تظاهرات صلح جویانهٔ را با قدم زنی آغاز نمائید؛ در داخل شهر نه بلکه در حدود یک مایل دورتر به طرف زیارتگاه شهید قهرمان ملی، این قدم زنی شروع شده و در صحن زیارتگاه در یک جای مناسب مثل یک پودیم به سخن رانی ها آغاز کنید: هم زیارتگاه بیشتر معرفت جهانی پیدا میکند و هم شما از شر بد رفتاری دولت به امن میباشید. به این پیشنهاد جداً فکر کنید .

کرونا آفت ویروسی است که امروز ۱۴ سپتمبر ۲۰۲۰م در جهان در حدود سی ملیون مصاب دارد وحدود یک ملیون وفیات. تهٔسف عمیق درینجاست که طرفداران گردن کلفت ترمپ ادعا دارند که اعداد این وفیات ساختگی است. در امریکا، اضافه از شش و نیم ملیون مصاب دارد و نزدیک به دوصد هزار وفیات. ولی وقتیکه این سطور را از نظرمیگذرانید این اعداد به مراتب زیاد و غیر قابل مقایسه خواهد بود. تا حال پالیسی ملی، واکسین و تداوی آزمایش شده در امریکا و ممکن در جهان برای این آفت عملا به مردم اهدا نشده است.

دو گروپ در امریکا شناخته شده: یکی طرفداران وقایه از مرض با مراعات نمودن فاصله بین دونفر، دست شستن و دوری

از جاهای مزدحم. گروه دیگر، کسانی اند که اکثریت مطلق طرفداران پریزدنت ترمپ را میسازند؛ اینها نه ماسک میپوشند و نه فاصله و هدایات متخصصین و توصیهٔ اطباء قصر سفید را مراعات میکنند. این روش شان را در اجتماعات مبارزات انتخاباتی ترمپ برای دوردوم جمهوریت در اریزونا و لاس ویگاس وحتى در صحن قصر سفید واضحا دیده میتوانید. به فکرمن کسانیکه این اساسا ت وقایوی را به مقابل ویروس جهان شمول و تباهکن کرونا مراعت نمیکند هم به خود و هم برای مردم خطرناک هستند .

علاوتن، از تیپ های کتاب RAGE(باب ود ورد) در CNNنشرشد بر میآید که: ترمپ از مرگ مصابین کرونا کدام تشویش و یا هراس لیدرانه نداشته همیش سوال کرونا را ازطرف باب ودورد به بهترشدن وپرمفادتر بودن (سناک مارکیت) دور داده است. گفته شده اگر ترمپ یکماه قبل اهمتامات وقایوی را در امریکا شروع میکرد حیات سی و شش هزار نفرآزشر ویروس کرونا نجات میآفت. متاسفانه دیده میشود که ترمپ تنها لیدر بلیونرها تبارز یافته است و بطرف شان توجه بیشتر نظر به عوام معطوف داشته، به آسیب رسیدگان کرونا، طوفان ها و حریق چندان توجه ندارد واگردرآن مناطق قدم هم رنجه فرماید هدفش مبارزهٔ انتخاباتی نگاشته شده است.

چاره این بی توجه ای فقط رفتن به پای صندوق های رای ویا رای دادن بسیار وقت از طریق پوسته است تا ترمپ دوباره به قصر سفید بر نگردد. به حساب گروهی سیاسی امریکا من بیطرف و یا اندپندنت استم و آرزوی من بهبود حیات نوادگان ما درین سرزمین است که با ترمپ سیر فقهقهرایی خواهد گرفت. مردم باید رئیس جمهوری داشته باشند که همه را بیک نظردیده مشوق تفوق طلبی قومی نباشد.

اوضاع نامناسب اقلیمی از ذوب شدن آیسبرگ ها تا طوفان های شدید و آسیب رساندن جانی و مالی تا حریق های مدهش تباهکن که تا حال حیات سی و پنج نفر را در ایالات اوریگان ، واشنگتن و کالیفورنیا پایان داده است، علمای محیط زیست آنرا به بی توجهی دولت به محیط زیست ربط میدهند. درین ساحه هم دوگروپ مردم درامریکاووجوددارد: یکی خبر دهندگان وخیم شدن تدریجی اقلیم یا Climate Alarmistاست و تقاضای طرح پروگرامهای جدی دارند ودیگر دستهٔ که میگویند وخامت اوضاع اقلیمی ساختهٔ جعلی بعضی ساینتیست هاست که به آنها Climate Severity Deniers نام داده اند. متاسفانه ترمپ ساینتیستی (؟) را پیداکرده که ازاحمایت نموده این تغییرات راباهم جزسایکل صدساله میدانند. دیده می شود که ترمپ با فسخ قرارداد پاریس، از روزاول ضدیت خود را به مقابل علمای اقلیم و محیط زیست برملا ساخت ومردمیکه باساینس و ساینستت سرو کاردارد و با عرق ریزی های شباروز علمی در خدمت بشریت اند، آنها رابه نظر قدر و احترام نمی نگرند؛ چون با سائنس و ساینستت سرو کار نداشته اند اهمیت و موقعیت والای این دسته علما را در حیات روزمرهٔ مردم درک کرده نمیتوانند: راست است که گفته اند قدر زر را زرگر میداند.

موضوع تاریخی وپراهمیت دیگر درین ماه سپتمبر حاضر شدن طالب هاست که با نمایندگان دولت جمهوری افغانستان بالآخره روبرو شدند. به روز شنبه دوازدهم ماه سپتمبر۲۰۲۰م در دوحه پایتخت قطرتحت قیادت وزیر خارجهٔ ان دیارشیخ محمدبن عبدالرحمان ویبانیة مطول وهمه جانبۀ داکتر عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی صلح و رئیس هیأت مذاکرات بین الافغانی طرف دولت، افتتاح گردید؛ بهتر است سخترانی داکترعبدالله عبدالله را از یوتیوب و یا انترنت شخصاً بشنوید و قضاوت کنید. بفکر من راستی به مقصد صلحی که امده بود توانست یک بیانیةٔ که پیام صلح داشت تقدیم نماید. به تعقیب وی ملا برادر گفتار کوتاه خودرا با (امارت اسلامی) بدون کدام پلان و پروژه آغاز نمود که پیام صلح نداشت. برای اینکه طالب و حکومت افغانستان نزدیکتر شوند طالب به باور من حزب خود را بنام امارات باد کنند ولی باید بدانند که دولتداری کوتاه شان که در جهان فقط توسط قطر، پاکستان، امارات متحده وعربستان سعودی شناخته شده ملل متحذبسر سفر هایشان محدودیت قایم کرده بود، بین مردم نتوانست نمونهٔ خوب حکومتداری تقدیم کند؛ بهتر است درسیستم داخل شوند و از طریق اساسات دیموکراسی به اساس قانون اساسی افغانستان به فعالیت سیاسی بدون حمایت پاکستان از نو شروع نمایند. به تعقیب ملابرادر مایک پمپيو وزیرزخارجهٔ امریکا سخنرانی کرد که معلومات بیشتر پسانتر تقدیم میگردد. به تعقیب پمپيو وزرای خارجهٔ ممالک متحابه مثل ترکمنستان، ناروی (خانم) ، چین، اندونیزیا (خانم)، ازبکستان، ترکیه، جرمنی، پاکستان، هند، هسپانیه (خانم)، فنلند، نماینده انگریز، وزیر دولت جاپان، سکرترجنرال ملل متحد، نمایندهٔ اتحادیهٔ اروپا، سکرترجنرال ناتو،

یوسف احمدی سکرتر جنرال کشور های اسلامی و بیانییه اختتامیه توسط نمایندهٔ مخصوص وزارت خارجهٔ قطربرای مقابله با تروریسم ومیانجیگری برای رفع مناقشات، تقدیم ومجلس روزاول پایان یافت .

نقطهٔ دلچسپ اینست که همه از حمایت خانم ها، قانون اساسی و دوام پیشرفتهای که در۱۹ سال حاصل شده سخن زدند و حمایت کردند. چون من همه رویدادرا ازطریق تلویزیون که راساً ازقطریخش میشد مشاهده و تعقیب میکردم متوجه شدم که پمپيو چندنفر رابدخل یک اطاق برد ودرب به عقب شان بسته شد؛ اینکه چه هدایات بیشترعلاوه از گفتاریکه نکات مهم ذیلاً تقدیم میگردد اظهار داشته است فکر میکنم مانند آنکه جزء چهارم قرارداد پیمان صلح بین طالب وایالات متحده تا امروزپنهان ماند، این هم همانطور از نظرها و تبصره ها ن برای مدت طولانی ناپدید باقی خواهد ماند.

پمپيو، روی سه اصل حق حاکمیت یا Sovereignty، اتحاد Unityو نمایندگی Representativeبرای تقریباً ده دقیقه، بگمانم، سخنرانی داشت.در قسمت حق حاکمیت گفت: شما برای پیشبرد امور روزمرهٔ خود توسط خودتان اینجا آمده اید باید همکار محترم جانبین، همسایگان وپارتنرهای بین المللی باشید. بخوداتکا پیداکنید و از زنجیراحتیاج به دیگران خود را رهایی بخشید.

درقسمت اتحاد گفت: میدانم بی اتفاقی چهار دهه جنگ، لطمهٔ شدید بر افغانستان وارد ساخته است.هریک شما از طریق مذاکرات همه شمول میتوانیداین تفرقه رابطرف سازید. امیدبیک موافقهٔ برسید که به خیر وصلاح همهٔ افغانها باشد. برای یک افغانستان متحد با قومیتهای مختلف غنی از ارثیت ها باید همه شمایکدیگر رادرآغوش بکشید؛ درآنصورت ازصمیم قلب متیقنم شماصلح پایدارنصب میشود. من اصرارمیورزم که باتمام نمایندگان جوامع مختلف بشمول خانم ها، اقلیت های مذهبی وقومی، آسیب رسیدگان جنگ های طولانی داخل مفاهمه و مذاکره شوید و ارتباط قایم کنید. این مذاکرات تاریخی باید یک سیستم سیاسی را که نظریات مخالف را در برداشته باشد ایجاد کند و رسیدن به هدف سیاسی را از طریق جنگ و خشونت رد نمائید.

قسمت نمایندگی را، با گفتار اینکه انتخاب سیستم سیاسی مربوط به خود تان است که تاسیس کنید، آغاز نمود. پمپيو به گفتار خود ادامه داد: در امریکا ما با سیستم دیموکراسی که یک پرنسیپ اساسی تصمیم گیری صلح امیز میباشد با تدور قدرت سیاسی برای ما بهترین نتیجه داده است. سیستم دموکراسی انتخاب اکثریت را باخود داشته در حالیکه حقوق بشری هر مخلوق خدا را حمایت میکند. این مودل برای ما و دیگرممالک دموکراتیک امنیت و پیشرفت به ارمغان آورده است. انطور سیستمی وجود ندارد که همه مشکلات را حل کند. ایالات متحده نمی خواهد که سیستم خود را بر دیگران تحمیل نماید. عقیدت راسخ دارم در صورتیکه حقوق تمام افغان ها حمایت شود ضرورت به خشونت محسوس نبوده همه سایکل های خشونت باید از هم بکسلد. من تنها به نتیجهٔ اشاره میکنم که شما فصل دیگر تاریخ افغان (باید افغانستان میگفت) را مینویسید. این فصل شامل آشتی پذیری و انکشافات خواهد بود نه دیگر ثبت شرح وقایع خونریزی. اصرار میورزم تا تصمیم بگیرید که از خشونت و فساد دوری جوئید و بطرف صلح و انکشافات و سعادت روی آورید. اصرار میورزم که دست آورد های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی را که طی ۲۰ سال اخیر نصیب شده اید نگاه نموده بر آن وسعت بخشید. بسیار زیاد صمیمانه آرزومندم که ازین چانس استفاده نموده عملیه را حمایت کنید، به یکدیگر برسید، حوصله مند باشید و بر هدف تان تمرکز کنید. ما حاضریم که شما را با همسایه های تان در صورتیکه شما تقاضا کنید حمایت نمائیم. و لی این زمان از شماست. من دعا میکنم که شما ازین فرصت استفاده کنید. تشکر ازینکه در چنین لحظهٔ تاریخی به من وقت میسر ساختید. خداوند نگهدارهمهٔ ما .

نوت: گفتار پمپيو از مجموعهٔ نوت خودم و نوشتهٔ انگلیسی محترم فهیم نظمیی در فیسبوک تهیه شده است. مردم افغانستان طی ده سال مخصوصاً در ۱۹ سال اخیر رنج و محنت و بی عزتی و قتل و قتل را به نهایت درجه متضرر و متقبل شده اند! وقت آنست که آتش بس دایمی تحت روحیهٔ صلح جویی، صلح پسندی و صلحدوستی اعلان گردد.

مردمان سچه مسلمان افغانستان، میدانند که قرآن مجید از[]نبودن جبردر دین[]درس میدهد و رهنمایی میکند که []آسان بگیرید وسخت نگیرید[]. سچه مسلمانان افغانستان امروزدرداخل وخارج مرزقرآن مجید، حدیث نبوی [] و فقه رابا تفکر وتعقل درک کرده اند. میدانند که []کشتن یک معصوم مانند کشتن همه مخلوق است[]. میدانند که رسول الله[] پیامبر اسلام احترام به میت و میته را تعلیم داده اند. وقتیکه مردم سچه مسلمان(ص هشتم)



عنوان کتاب: تاریخچهٔ طبابت درافغانستان (جلداول)
پژوهشگر ونگارنده: داکتر غلام محمد دستگیر

ای منبع جود و سرا پا عفت

کاین چار ترا عناصر تخمیر

اخلاق و شرافت وصفا وحکمت



داکتر غلام محمد دستگیر

مطالعين نهايت عزيزو گرامى جريدهٔ مردمى اميد، اين چارمصرع سرآغاز را كه اصلا دروصف

پروفيسرداكتربعبدالحميد رحيمى (مولاناصاحب) سروده شده است، بخاطرى تذكردادم كه باتمام معنى و كيفيت انساني، به سجايا و كركتردوست فرزانه وگرامى ام داكترغلام محمد دستگير، مؤلف پژوهشگر اين كتاب نيزموافتت دارد .

داكتردستگير نه تنهادرموضوعات طبي وخاصتاً رشتهٔ جراحى كه متخصص آنست، آثار ارزشمندى دارد، بلكه دربخشها ورويدادهاى سياسى داخل وخارج وطن عزيزنيزمقالات تحقيقي واقعبينانه نگاشته است، كه در جريدهٔ وزين ومردمى اميد بامدريت ژورناليست جيره دست محمدقوى كوشان وچندسايت انترنتى بچاپ رسيده است، چنانچه همين چندى پيش كتابى زيرعنوان «مشابهات اوضاع سياسى قرون۱۹ و ۲۰ ویتنام وافغانستان»تأليف جديد اورا درهمين جريده به شمامعرفى نمودم .

درهمين راستا معرفى مزيدمولف عزيزدردصفحات نهم ودهم كتاب تازه اش چنين مى خوانيم : داكترغلام محمددستگيرشام روزچهارشنبه پنجم ثور ۱۳۱۸ ش مطابق عربيع الاول۱۳۵۸ ق كه مطابق داردبه ۲۶/۲۷ م درخانهٔ نمبر۳۲ گذرسه دوكان عاشقان وعارفان(رح) تولديافت. پدرش كه شغل تجارت داشت به صوفى غلام دستگيرشهرت داشت، پدركلان پدري اش ميرزا شيرعلى خان نام داشت .

بعداز فراغت ازليسهٔ حبيبيه به درجهٔ اعلى درسال ۱۹۵۷ به PCBدانشكدهٔ ساينس شامل ودرسال۱۹۵۸ ازآنجاهم به درجهٔ اعلى فارغ وبه دانشكدهٔ طب به تحصيلات خود دوام داد. درسال ۱۹۶۳ ازدانشكدهٔ طب، به دورهٔ ستاژ يا انترنشب داخل ودر۱۹۶۴ مفتخربه سند(ام دى) گرديد .

درتعليمات خانگى، تفسيرقرآن پاڪ را ازاستادان محل، چون دورهٔ ترجمهٔ قرآنكريم ميرزاشيراحمدخان مفسرشهپربه قيادت مرحوم مغفورملا غلام حيدر درمسجدباباى خود(ع) كه ازقندهار بودند و روانشادمحمدابراهيم خليل الاحمدالجامى مرثيهٔ مطلوب ذيل راسرده اندكه مطلعش چنين است:

به علم معنى قرآن به عهدخويش بى همتا
بسى پابند دين و مذهب و بسيار با تقوا (ص۴۰۵ كليات)

ومشكوه شريف وفقه رادرمسجد ازبكهها دركوچهٔ مشهوربه ازبكهها از مولوى محمد طاهرآموخته است. مرحوم محمديونس حيران ژورناليس شهير و باجرتت افغانستان كه مضمون(بايايه الوزرا) رادرانيس نوشت هم درعين زمان شاگردعلم حديث آن مرحوم ومغفور بود...

پس ازختم دورهٔ عسكرى دركورس احتياط، امتحان كانكورطب رابراى شمول به عضويت اكادميك درفاكولتهٔ طب ننگرهار وهم امتحان لسان پشتو راموفقانه گذشتانده دركدرجراحى پذيرفته شد. بعدانشركتاب«د صدرى ناروغيو مختصره جراحى «مضامين متعددطبي درآريانادايره المعارف و «تداوى توبركلوز فقرات مداخلات قدامى»(ازطرف پروفيسررايس شف جراحى وقت تقديرگرديد ودرجريان قدم علمى به پوهنمل بودكه براى تحصيلات عالى دررشتهٔ جراحى درماه مى ۱۹۶۸ به انگلستان سكالرشپ گرفت وبعداز اخذديپلوم هاىي از رايل كالج آف فيزيشن لندن LRCP، رايل كالج آف سرجنز درانگلند MRCSوديپلوم تخصص درجراحى عمومى (بطنى صدرى) از رايل كالج آف سرجنز هدنبره FRCSو گذشتاندن امتحان ECFMGدرماه اكتوبر۱۹۷۸ به وطن مراجعت نمود .

بعد ازخدمت در ديبارتمنت جراحى دانشكدهٔ كابل وتدريس اساسات جراحى، خدمتى دردپارتمنت جراحى شفاخانهٔ چهارصدبستر اكادمى علوم طبي اجراى وظيفه نمود ومقالات

طبي درچندنشريه درپشتنى طبي مجله وبعد ژورنال طبيعى علوم به طبع رسانيد . درنومبر۱۹۷۹به مهاجرت پرداخته در امريكا مسكن گزيدوبعداز گذشتاندن امتحان FLEXدرسال ۱۹۸۰به اخذ لايسنس پركتس طبابت درنيويارك ومسه چوستس ويك شعبهٔ ازهاروورد درنارتهمتون وشفاخانهٔ ويتيران درسال ۲۰۱۲با تقاضاى رضاكارانه وبرائ پيشرد آرزوى نويسندگى دربارهٔ حالت زاروطن، ازشفاخانهٔ ويتيران موفق به اخذتقاعدشد.

درجريان خدمات طبي اش درامريكا، انجمن داكتران افغانى درامريكا يا APAIAراينبادگذاشت كه بعدها AMPAAنام گرفت. بروزشنبه ۱۷نومبر ۲۰۱۹ سال تاسيس با سمپوزيم علمى تحت رياست رئيس انتخابى محترم سيدمسعود سادات در ورجينيا بدرقه گرديد.

درپهلوى فعاليتهاى علمى طبي درامريكا چو نشريك ميتودبراى جراحى انگشت كه دربلجيم، باستون، لندن وششمين كنگرس بين المللى جراحى دست درپايس تقديم گرديد، يك پاتينت براى جراى امعاى غليظه بدست آورد. نوع سوم خلع- كسر رادر زاويهٔ (لوئيبى) عظم قص درمجلهٔ تروما معرفى نمود. همچنين كتاب(شناسايى بااخلاق طبابت) درسال ۲۰۱۸ ورساله (مشابهت اوضاع سياسى قرون نزده وبيست ويك ويتنام باافغانستان امروز) رادرسال ۲۰۲۰به نشررسانيد. داكتردستگيرعضويت چندين موسسهٔ علمى راداشت وبه حيث رئيس كميته هاى كنترول انتانات، مديكل ريكاردر، فارمسى، PEER REVIEWودايركتر كلينك درشفاخانه هاى مربوطه نيزموظف بوده است.

با اميد هفته نامهٔ مردم افغانستان به مديريت محترم محمد قوى كوشان، سايت آريايى كه موسس آن محترم عزيزجرئت اند وسايت خراسان زمين كه گردانندهٔ آن آقاى ديدبان است، همكار قلمى بوده مضامين متعدد اجتماعى سياسى وتاريخى به فارسى درى وانگليسى نوشته اندكه شامل اضافه از ۲۲۰ عنوان بوده به چاپ رسيده است، كه دراخيركتاب (لست ديگرنوشته ها و تراجم) ازهمه تذكررفته است.

همچنين ده فصل تكست بوك جراحى كه درامريكابنام (كريستوفر) شهرت دارد، قسم ده جلد باتحريرقلمى اش باعنوان«انكشاف ونموى جراحى، بيولوجى ماليكولى درجراحى، نتايج سرسيرى درجراحى، هوميوستاز(تغييرات عضويت درجراحى وترضيضات)، شاك(اسباب واهتمامات تداوى كولپس دورانى)، اهمتامات مايع والكتروليت مريض جراحى، اساسات آماده ساختن قبل ازعمليات جراحى، ترانسفوزيون خون وتشوشات زنفى جراحى، استقلاب درمريضان جراحى(مصرف پروتينكربوهائيدريت وشحم ازطريق زرقهاى وعائى) موضوعات جراحى مرض شكر راترجمه نموده به چيف جراحى دانشكدهٔ طبي كابل، كه باتفصيل درمتن ذكرشده است، اهداكرده است.» و اينهم تبصرهٔ بنده راجع به يادداشتهاى مولف فرزانه ودانشمندداكتر دستگيركه قبلاباراول به نشررسيده است: يادداشتهاى مستندوخاطرات دلچسپ وجشمديدهاى پرانتباه دوست عزيزوهم مسلك نهايت عزيزوگرامى ام استاد داكترغلام محمددستگير راكه شمهٔ ازفعاليتهاى طبي وعلمى بنده وبسا استادان ديگرفاكولته هاى طب پوهنتونهاى كابل ونگرهاربالطف ونيك بينى ياد كرده است، خواندم . اين مجموعهٔ پرمحتواكه بقلم شخصيت خدمتگاروفرزانهٔ وين وفداكارراه بهبودى ارتقاى مسلك شريف طبابت درافغانستان، چون داكتردستگير به رشتهٔ تحريردرآمده است، مانند مشعل رهنمابراى محصلان جوان طب درساختارحيات مسلكى واجتماعى شان روشنى انداز است.

داكتردستگير درتاسيس انجمن داكتران افغان درامريكا ونظريات رهگشاى اودربورد اين انجمن قابل قدر وفراموش ناشدنى است. وى درپهلوى فعاليتهاى طبي وعلمى، درتحليل اوضاع سياسى واجتماعى وطن عزيزخوديك نويسندهٔ برازندهٔ واقعبين است، كه مقالات اوگاهگانى درجريدهٔ وزين اميد به چاپ ميرسد وبه يادگارمى ماند. از ايزدتوانا عمرپرصحت وسعادتش را با موفقيتهاى مزيدش درهردو رشته نيازمندم .

پوهاندداكترلطيفى، ورجينيا، جون سال ۲۰۱۳

قابل تذكراست بنويسم كه كتاب تازهٔ داكتردستگيردوجلد رااحتوامى كند، كه جلد اول تنهابه معرفى بيوگرافى هاى استادان واطبائى وطن عزيز با فوتوهاى آنهااختصاص يافته وجزءخاطرات دوران محصلى مولف گرامى را دربرميگيرد، ومهتمم جناب داكترعبدالحكيم ضمير راجع به آن نوشته است:

نوت مهتمم: من نشراين گنجينهٔ خاطرات ايام محصلى مادرفاكولتهٔ طب راكه داكترغلام محمددستگير دوست ديرين من بازحاتم زيادشباروزى تهيه نموده است، براى خودش وفاميل ارجمندش تبريك ميگويم. ازموقع استفاده نموده براى استادان محترم وباعزت ماكه به رحمت حق پيوسته اند (ص هشتم)

محمدعارف منصوری

لندن، بریتانیا

صالح و صالح

سیاستمداری تنها و تکرر در ازدحام سیاست و استخبارات ام‌الله صالح، استثنایی در جمع نخبگان کنونی افغانستان است که بدون پشتوانه قومی و پشتیبانی حزبی و بنابر استعداد ذاتی و حمایت خارجی، پله های رشد و ترقی را بسرعت پیموده و در این مسیر دشمنی پاکستان و طالبان و حسودی رقبای داخلی اش را به جان خریده است.

اساساً تار و پود شخصیت صالح با نخ استخبارات تنیده و شکل گرفته که بقول خودش، اطلاعات را می نوشد. چنانکه حالا که وارد حوزه سیاست هم شده، رویکرد اطلاعاتی به قضایا دارد و همه چیز را از منظر و دریچه دنیای جاسوسی می بیند. زندگی مجال و فرصت فراخی برای انتخاب های متعدد نیست. مایه و سنگپایه شخصیت هر فردی، در فضایی، قالب بندی میشود که ممارست زیاد به آن داشته که این امر او را محدود و محصور در همان چارچوب نگه میدارد. مثلاً شهید مسعود علیرغم شخصیت چند بُعدی اش، بنابر محکوم بودن به نظامی گری و کار مستمر و فشرده در عرصه جنگ، سیاست را غالباً با سازوکار نظامی بکار می بست. همینطور جنرال دوستم، زمانی هم که معاون رئیس جمهور بود، بجای کار در اداره، سر و کله اش مدام از جبهات جنگ پیدا میشد. و فراموش میکرد که نفر دوم سیاست کشور است.

ام‌الله صالح را نمیتوان یک جهادی متعارف نظیر قانونی، نور، عبدالله، گلبدین و محقق دانست و نه یک تکنوکرات آمده از غرب مانند غنی، احدی و محب شمرد. نه با تکت قومی و زبانی بازی میکند و نه از برگه سمتی و مذهبی کار میگیرد. عمدتاً با روایت خودساخته، خویش را فراقومی، فراسمتی و فرامذهبی و متمایل به اندیشه لیبرال دموکرات معرفی می کند. او حتی در تیم ارگ، نامحرم و غیرخودی پنداشته میشود. وی متکی بخود و توانایی های خود است و اگر معامله هم میکند، بر سر ویژگی ها و امکانات دست داشته خود، انجام می دهد. خلاصه او را میتوان سیاستمدار تکرر و فاقد پایگاه اجتماعی بحساب آورد. البته که روند سبز نمیتواند در این متر و مقیاس، قابل محاسبه باشد.

این روزها که از هر سو هیاهوی صلح و تپ تپ پای طالب بگوش میرسد، صالح را در وضعیت دشوار و تنگنا قرار داده، زیرا بعد از توافقات بن، سرمایه گذاری انحصاری اش روی حضور طولانی مدت آمریکا و کار در چار چوب استراتیژی آنها بوده. محاسبه بیست ساله صالح چنین بوده که امریکا به افغانستان نیآمده تا برود. بنأ با تمام توان و تشریک مساعی با دوستان امریکا، دوستی و با دشمنان شان دشمنی کرده و در این راستا سنگ تمام گذاشته و دشمنان زیادی برایش خرید. اما امروزه اقتضای منافع ملی امریکا، چنین است تا حضورش را در افغانستان کم‌رنگ و طالبان را در قدرت شریک و سهمیم سازد. گروه تروریستی ایکه بقول خود صالح، بسیاری از آنها را کشته و به آن افتخار میکند. طالبانی که آمدنی اند و صالح با آنها آشتی ناپذیر است.

واقعیت این است که دنیای سیاست و بازی های اطلاعاتی چنین است. دوست و دشمن دایمی ندارد. چه بسا که بعضاً شخصیت ها قربانی تغییر سیاست شده و گاه بعنوان مهرهٔ سوخته از بازی خارج ساخته میشوند. جنرال ضیاء الحق حاکم نظامی پاکستان که از بازیگران فعال دوران جنگ سرد بود، چگونه با تغییر سیاست، در بهاولپور معدوم شد و از بازی حذف گردید. شاید بزرگترین دلهره و اضطراب صالح، سرنوشت او در شرایط بعد از انعقاد صلح و ورود طالبان در قدرت باشد. زیرا هنوز که هیچ اتفاقی نیآفتاده، دو سوء قصد ناکام اما خونین علیه وی صورت گرفته. سوال این است که آیا تعهدات رسمی طالبان به امریکا، مانع از تصفیه حساب های شخصی شان با دشمنانی چون صالح در آینده خواهد شد؟

در حال حاضر امریکایی ها و نظامیان پاکستانی، او را با بلندپروازی های اخیرش، مانع توافقات صلح و اخلال گر روابط حسنه دو کشور میدانند. طالبان حضور وی را در اداره ریاست جمهوری و نقش داشتن در تصمیم گیری های کلان کشوری تحمل ندارند و بیشترین کارشکنی ارگ را در مسیر مذاکرات بین الافغانی، ناشی از تلقینات او به غنی میدانند. آیا امریکا و ارگ، برای خشنودی طالب و گشودن موانع پیشرو، او را بعنوان پیش پرداخت، قربانی نخواهند کرد؟ حمله اخیر به جان وی، ابعاد پیچیده ی دارد که مطمئناً از چشمان تیزبین صالح پوشیده نمانده است.

آنچه در حمله دیروز، قابل دقت و مکث است، که کار آگاهان اموراستخبارات بیشتر ازدیگران آنرا (صفحهٔ ششم)

نصیراحمد رازی
سندنی ، آسترالیا
اصحاب کھف. رادمردان راه حق
نگارش دستنویس شادروان محمداسماعیل راحل
برای این شمارهٔ جریدهٔ وزین امید و شمارهٔ بعدی آن، مطلب ذیل را برگزیدم .

قرآن کریم بصیرت وهدایت است برای قومی که باور دارند .

پیشگفتار

... دربارهٔ انگیزهٔ این نوشتهٔ مختصر مقصداینست، درچندین مجلس اقباء وعزیزهاکه ازهرطرف سخن به میان آمده، اکثر جوانهای ماعلاقه نشان دادند که ازتاریخ وقصه های قدیم حتی قصه های مذهبی چیزی بشنوند، ودر گرد همآیی های آشناها وهموطنها هم دیده شده که یکنعدادمردم مادلچسپی دارند که عوض فکاهی وپرگوئی، قصه وافسانه بشنوند .

درمجلسی که من حاضربودم، چندنفری درهم جمع وباعلاقه وسرگرم به سخن یکدیگرگوش میدادند. میزما درپهلوی میزآنهابود، مراهم دعوت کردند که درصحبت شان داخل وشامل شوم، چون اشخاص ورزیده وسرحال بودند و گپ وسخن شان بجان ماهم چسپ کرد، چوکی خودرا دورداده طرف آنها شدیم ودیگرچندنفر ازخویش وقوم که درمیزما بودند، چوکی های خودرا شوردادند. هرکس قصه سرمیداد، ازوطن و ازتاریخ، سرگذشت وقصه های مختلف واقعاگیرا وپرمعنا بود، ازدیگهارانمیدانم برای من لحظه به لحظه جالبتر میشد. میگویند مستمع(شنونده) صاحب سخن رابه گفتارآورد، قصهٔ سکندر رومی رابیمیان گذاشتم: ازشکندر رومی پرسیدندکه دیارشرق وغرب را به چه گرفتی، گفت که بعون خدای عز وجل هرمملکتی راکه گرفتم رعیتش نیازردم وناپادشاهان جزبه نیکویی نبردم: بزرگش نخوانند اهل خرد– که نام بزرگان به زشتی برد، وهمین قسم قصهٔ دیگری رابرایشان بیان کردم، زیرا همهٔ شان ساکت ماندند وباغورکامل به سخنهای من گوش دادند ومراثلی که دربالاگفتم تشویق کردند وگويا جرئت دادند. این قصهٔ دوم هم جنبهٔ مذهبی وعقیده ای دارد :

یاددارم که شبی درکاروان همه شب رفته بودم وسحر درکناریشهٔ خفته، شوریدهٔ که درآن سفرهمراه مابود، نعره برآورد وراه بیابان گرفت ویک نفس آرام نیافت، چون روزشد گفتمش آن چه حالت بود، گفت بلبلان را دیدم که به نالش درآمده بودند اذدرخت، کبکان ازکوه وغوکان ازآب و بهایم ازبیشه، اندیشه کردم که مروّت نباشد همه درتسیبج ومن درغفلت خفته:

دوش مرغی به صبح می نالید
عقل و صبرم ببرد وطاقت وهوش
یکی ازدوستان مخلص را
مگرآواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که ترا
بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست
مرغ تسبیحگوی ومن خاموش
وقت نماند وهمه متفرق به نان وچای شدیم، دوسه نفراز آنهاجداآخواهش کردندکه هروقت موقع دست باد همچه قصه هارا نوشته روان کنم .
قصهٔ اصحاب کھف در روندآن قصه ها ودر راستای آن صحبتهابیمان آمد، ساعت یک بجهٔ شب۲۱ فبروری۲۰۰۳– احترام به خواننده ها، اسماعیل راحل
نوشته بماند سیاه برسپید
ولیکن نویسنده رانباشدفرداامید

اصحاب کھف

ستایش خاص خداوندی است که بربنده پسندیده وخاصهٔ خود(محمد ص) این کتاب بزرگ(قرآن) رانازل کردو درکمال صورت ومعنای آن هیچ نقص وعوجی را راه نداد، تابه این کتاب بزرگ خلق راازعذاب سخت بترساند واهل ایمان راکه اعمال شان نیکواست به اجر نیکودرعالم عقبی بشارت دهد وبگویدکه درسرمنزل پرنعمت بهشت زندگانی ابدی ودایمی برقراراست و آن هایی راکه گفتند خدافروزی داردوبه این سخن وعقیدهٔ جاهلانهٔ خودقایم اند، به قهروغضب خداوندی آگهی داد. زیراآنهانه خودشان ونه پدران شان از روی علم وواقعیت حرف میزنند وهمیشه کلمهٔ کذب ودروغ ازربان شان می آید. ای رسول نزدیک است که توجان عزیزت رااز شدت غم واندوه که آنها ایمان نمی آورند ازدست بدهی، توبعداز انجام رسالت، ابتداً ازکفروعصیان امت غمگین باش، جزای هرکس بدست ماست، مازمین راجلوه دادیم وزینت و آرایش بخشیدیم تامردم رابه آن امتحان کنیم وبعدها همه رافنا وتباه می کنیم و روزقیامت می آوریم .

ای رسول ما، قصهٔ اصحاب کھف درلابلای اینهمه آیات قدرت و عجایب حکمتهای مואقعهٔ عجیبی است. جوانان کھف ازیّم دشمن در غارکوه پنهان شدند، اذدربارخدای بزرگ مشلت کردند که در لطف ومرحمت خودرا بر روی آنهابکشاید وبرایشان هدایت کامل مهیاسازد. خداوندبرای چندین سال به هوش وگوش شان پرده بهوش آورد وبعدآنهارا برانگیخت تابین آن هاییکه قصهٔ اصحاب کھف را راست میگفتند وکسانیکه به آن اختلاف داشتند روشنی آورده شود که کدام آن واقعی وحقیقی است .

خدای بزرگ به پیغامبرخودمیگوید که قصهٔ اصحاب

کھف رابرایت مکمل بیان میکنم تابرایت مدلل واضح شود. اصحاب کھف جوانمردانی بودند که به خالق خودایمان آورده بودند وخداوندبه لطف خاص خودبه مقام ایمان وهدایت شان بیفزود وبه دلهای پاک آنهانورایمان وتوحید راحکم واستوار داشت. آنها اشخاص باایمان ودرست کاری بودندکه برعلیه کافران ومشرکان عالم قیام کردند وگفتند پروردگام ما مالک زمین وآسمان است وما جز آن خدای یکتارا،هیچ موجودوچیزدیگری رابه خدایی نمیخوانیم واگربخواهیم مثل مشرکان به راه خطارفته ایم. اینها قوم ماهستندکه خدایانی غیرخدای یگانه گرفتند، درحالیکه هیچ دلیل روشن برخدایی آنهاندارند، چه ظلم وکذبی بالاتر از این باشدکه برخدای عالمیان می بندند .

اصحاب کھف به یکدیگرخودگفتندکه برای نجات ازشر این مشرکان به غارکوه پنهان میشویم تاخداوند به لطف ومرحمت خود، راه آسایش و کشایش رابر روی مابکشاید، آنگاه آنهابه غارکوه رفته به خواب عمیق فرو رفتند. خداوند(ج) آفتاب رابه غارکوه چنان مسلط گردانیدکه ازشرف صبح به سمت راست وازطرف بعدازظهر ازشرف چپ غارکوه می تابید تاآنهابه راحت و به امن باشند .

این حکایت (جوانمردان کھف) یکی ازآیات الهی است، هرکس را خداوند رهنمایی کند به حقیقت میروود وهرکه راخداوند گمراه گرداند، هرگز اورا کسی هدایت نمیتواند. کسانی بودندکه فکر میکردند اصحاب کھف بیدار هستند، حالانکه درخواب بودند وبرای رفع خستگی شان به پهلوگردانیده می شدند. سگ شان دو دست بر درآن غارگسترده داشت، اگرکسی ازحال آنها مطلع میشد آنقدرهیبت وصلابت داشتندکه ازخوف آنهادهراس وچیزی گفته نمی توانستند .

خداوند آنهارا ازشواب بیدارکرد، خودشان نمی فهمیدندکه چه مدت در خواب بودند، یکی ازدیگرمیپرسیدند که چندروزبخواب بودیم، بین خودمی گفتندکه روزمکمل وبرخی از روز دیگر، درشک واندیشه بودند ومیگفتند که خداوندمیدانندکه ماجه مدت درغارکوه بودیم. گفتند یکی ازمابه شهربرود واز پولی که داریم چیزی خوراکه خریداری کند، لاکن به بسیاراحتیاط برودکه کسی خبرنشود وکسی اورا نشناسد واز کارماآگاه نشود. اگرخبرشوند یاما را سنگسار میکنند وبابه دین خودمی درآورند وهرگزروی خوبی نخواهیم دید.

بازخداوند(ج) مردم را ازحال اصحاب کھف خبرکرد تاخلق بدانند که وعدهٔ خداوندی حق است، به روزحشر تمام مردم زنده میشوند وکسانیکه بین خود درحصهٔ زنده شدن بعداز مرگ اختلاف دارند، اشتباه شان رفع شود. بعضی ازگمراههایگفتندکه دور این رادمردان اصحاب کھف حصار ودیواری ساخته شود تادر حبس واز خلق دورباشند، تامردم آنها رابه دین خودنخوانند و آنهایی که برواقعیت این امرآگاهی داشتند وخداپرستان بودند، میگفتند برای شان مسجدی بنا شود .

دربارهٔ تعداد اصحاب کھف نظریه هامختلف است. بعضی هامیگویند سه نفربودند وچهارمین سگ آنها. برخی میگویندکه عدهٔ آنهاپنج نفربودند وششم سگ شان، وبعضی دیگرمیگویند هفت نفربودند وهشتمین سگ شان. خداوند به رسول خودفرمودکه به مردمی که این اختلافات بی فایده رابرپا میکنند بگو که خدای من به تعدادآنها ازخلق کرده داناتر است، کسانی که تعدادآنهارا هشت میگویند ازانام های شان چنین یادمی کنند : یملیخا، مکسلینا، مسلینا، مرنوش، وبرنوش، شازه نوش، کفشتیوش وهشتم سگ شان که قمطیرنام دارد.

خداوند(ج) به پیغمبر(ص) فرمودکه توباهل کتاب دراین موضوع مجادله مکن، جزآنکه هرچیز به ظاهردانستی یاد واظهارکن ودیگر این که هرگز فتوا دراین باب از احدی میرس . بازذات کبریایی به رسول خودگفت که هرگزمگو که من این کار رافردا خواهم کرد، بلکه بگو که ان شاءالله اگر خدابخواهد، و خدارا لحظهٔ فراموش مکن وبه خلق بگو که دربارهٔ یاران کھف بحث وجنگ وجدال فراهم نکنید وبگو که امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر ازاین قصه هدایت فرماید .

اصحاب کھف سه صد و نه سال درغارکوه خواب بودند، یهودی ها اعتراض کردندکه نه سال چرا اضافه گفته شد، مگر تفاوت بین سال شمسی و قمری است. برای شان بگو که خداوند به مدت اقامت آنها داناتراست وبه همهٔ اسرارغیب آسمانها وزمین محیط است. بینا وشنوااست، هیچ کس جزاو نگهبان خلق نیست وکسی را درفرمان خود انباز وشریک نگیرد، وانچه ز کتاب خدا برتو وحی شد آنرا برخلق تلاوت کن، کلمات خدا راهیچ کس تغیرداده نمی تواند وکسی جز درباراو پناهی نخواهد داشت، همیشه خویش راباکمال شکیبایی، به صحبت آنهایی که صبح وشام

خدا را می خوانند و رضای او را می طلبند ، وادار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم میپوش که به زینت های دنیا مایل شوی و هرگز از آن هایی که دل های شان را از یاد خدا غافل کرده ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به بدکاری پرداختند ، مشایعت مکن . با اشرف و ثروتمندان ظالم و هواپرستان میپوند .

بگو دین حق همان است که از طرف پروردگار من آمده، پس هر که بخواهد ایمان آورد و هر که می خواهد کافر شود. ما برای ستمکاران آتشی مهیا ساخته ایم که شعله های آن مانند خیمه های بزرگ گرد آن ها را احاطه کرده و اگر از شدت تشنگی ، آبی درخواست کنند آبی مانند مس گداخته به آن ها می دهند که روده های شان را بچکاند ، آن آب بدترین نوشیدنی و آن دوزخ مشکل ترین جای مسکونی . آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، اجر آن ها نزد خالق ضایع نمی شود ، برای آنها اجر بزرگ مهیاست ، بهشت برین ، در زیر درخت ها آب های جاری وهمه نعمت های خداوندی ، لباس های زرین سبز و دیبا و بر تخت های باعزت و باشأن وشوکت وآرام زندگی ابدی خود را پیش می برند. / (دنباله دارد)

صالح «استخبارات می نوشد» یاخلعت آنرا می پوشد؟ چرا هیچ منبعی واضح نساخته است که این چه نوع حمله ای بوده است؟

اتفاق ناگوار امروز بالای امرالله صالح، حلقهٔ دیگری از زنجیرهٔ فجایع جنگی به شمارمی رود و نجات جان ایشان امری خجسته است. اما صالح درگفت وگوی ازقبل تنظیم شده بالطف الله نجفی زاده مدعی شد که چنان چشم وگوش همه اطلاعاتی دارد که استخبارات رامینوشم. هرگاه «نوشیدن استخبارات «این باشدکه مهاجمان مثل نوشیدن یک پیاله آب، کاروان موتر های زرهی را با «انفجار «پرتلفات ضربت بزنند؛ این «نوشیدن استخبارات «نه، بلکه پوشیدن خلعت صرفاً تبلیغات «استخباراتی» است.

من تمام گزارشها ازمنابع گونه گون رادنبال کردم تابدانم این حادثه چی نوع انفجاری بوده؛ توفیق نیافتم. هیچ کسی ظاهراً حاضربه توضیح نوع «انفجار «نیست. چرا؟ چه انفجاری بوده؟ ماین، بمب ساعتی؟ بمب چسپکی؟ انتحاری؟ بمب ریموت کنترل؟ مهم تراینکه چنین مادهٔ منفجره دقیقاً درکجا جا سازی شده بوده؟ برفرض، درحاشیه جاده. جاسازی یک ماین بسیاروقت گیراست. گذاشتن بمب دریک جعبه یاکراچی یا پوشش دیگری، چه گونه از چشم صدها عامل امنیتی که پیش از خروج صالح از خانه، راه ها را به روی مردم مسدود می کنند؛ مخفی مانده بود؟هریک ازین فرضیه ها حقیقت داشته باشد، نوشیدن استخباراتی صالح، زیرسوال می رود.

هیچ استخبارات نوشی حاضر به وضاحت درین باره نشده است. حتی صدیق صدیقی سخنگوی دولت، با نشر یک اعلامیهٔ مغشوش، مدعی شده که این «کاردشمنان صلح وثبات «است! از کاربرد چنین اصطلاحات من درآوردی، کلیشه یی و سردرگم خسته نشده اید؟ خود صالح رسماً و حضوراً می گوید که من دشمن طالب هستم و صلّهی مطابق میل آنان درکار نیست. کماکان این «دشمنان صلح وثبات «از کدام آب وخاک است؟

آنانیکه خیال می کنند این کار طالب است، از روی عادت، یک اندازه عجله نشان می دهند. اگرخود شما طالب باشید و مسیرها و گردنه های دپلوماسی و جنگ را به کمک امریکا، پاکستان و امارات و قطر به حد لازم «فتح «کرده و خود را دریک قدمی فتح بدون خونریزی دستگاه رهبری سیاسی، جامعه و کل کشور احساس کنید؛ از روی کدام عقلی به امرالله صالح حمله میکنید تا خود به خود تمام پیروزی ها، فرصت های رسیدن به آخرین خط پیروزی را به خطربیاندازید؟ شاید دستی است که می خواهند صالح را رشد بدهند. مگرنه چنین است که استخبارات های چند ملیتی است که درگره گاه بحرانی کنونی، یک دیگر خود را «می نوشند .»(گزارشنامهٔ افغانستان)

صلح وصالح

و دشمنان آشکار و پنهانش همچنان در کمین خواهند بود. بی تردید، موجودیت وی در تیم ارگ، میزان آسیب پذیری او را بیشتر می سازد. اما رویهمرفته بقول شهید مسعود، هر ضربه دشمن، اگر نابودت نکند، بقوت ات می افزاید. سوء قصد ناکام دیروز، حمایت گسترده موافقان و حتی منتقدان صالح را در قبال داشت و عجالتاً بر محبوبیت وی افزوده است. /

شمال کالیفورنیا	
 پاسداشت زبان مادری و حرمت فرهنگ ها ...	
در عشق روم که عشق را من	از جمله بلا حصار دیدم
از مُلک جهان و عیش عالم	من عشق تو اختیار دیدم
	(مولوی)

ای هم میهن من !
در این ماه سپتمبر اینک به قسمت سی وسوم سلسله نوشته های دنباله دارم رسیدیم، این بخش رابه دوست گرامی وبزرگوارم شخصیت ارزشمند ودانشمند جناب داکترغلام محمد دستگیر، بانی ونخستین رئیس انتخابی انجمن داکتران افغانستان در ایالات متحدهٔ امریکااهدامیکنم.

من محترم داکتر دستگیر را ازسالهای زیادی می شناسم، واگر بگویم که ایشان باجناب قبله گاه صاحب من، قبل از تولدم دوست وهم محله وهم منطقه وهم مکتب بوده اند، خلاف نگفته ام . بلی جناب استادالحاج قوماندان نور الدین نوری، استاد اکادمی وقوماندان امنیهٔ پلیس وقهرمان شش سالهٔ ورزش دوش کشور وستارهٔ لیسهٔ عالی حبیبیه کابل دوست وبرادرصمیم جناب داکتر دستگیرهستند، وتاحال الحمدلله بهمان دوستی وبرادری باقی مانده اند، که هردوی شان درحفظ وعزت الهی باشند.

جناب استادنوری بزرگ هروقت که صحبتی ازمحل ومنطقهٔ شان در شهرقدیم کابل وازگذر پرازصفا وصمیمیت وپربرکت شوبازار یادمی نمایند وازجملهٔ دوستان ویاران زیادشان در آن محلات نام میگیرند، یکی ازجملهٔ همان خوبان ومهربانان ازایشان(داکترغلام محمددستگیر) خاطرنشان میشوند وبهین سان ازقبله گاه شان که صوفی وارسته ودستگیر وسخاوت پیشه با اهالی محل بودند، که روح پدرشان ودیگربزرگان رفته شاد وزنده های شان را خداوندمهربان به پناه خود نگه بدارد .

اضافه ازسه دهه میشود که من نیزبجیت یک مطبوعاتی سابقه دار با جناب داکتردستگیر همکارودوست میباشیم، وهکذا درچندین کنفرانس وگردهمآیی هاومظاهرات که راجع به کشورعزیزمان براه افتاده بود، اشتراک و سخنرانی هاداشته ایم، و اکنون هم درهفته نامهٔ مردم افغانستان، نشریهٔ وزین امیدکه به همت محمدقوی کوشان وداکترصاحب تمیله کوشان نزدیک به سه دهه مرتباً انتشارمی یابد، هردوبصورت مستمرهمکاری دایمی داریم.

جناب داکتردستگیر اخیراً بالطف ومحبت دوائرگرنبهای شانرا، یکی (شناسایی بااخلاق طبابت) که درصفحهٔ اول آن یادداشت واهدا وامضای شان بخاطرتحفه به اینجناب میباشد، یادگارماندگار خویش رادرج نمودند. واقعا کتاب انیس ومونس انسان میباشد : هم نشینی به از کتاب مخواه — که مصاحب بود ترا به گاه وبیگاه — این چنین همدم لطیف کی دید— که نرنجید وهم نرنجانید !

جناب داکتردرآغازین صحبت درکتاب شان ازداکترناکایما دایرکتر جنرال موسسهٔ صلح جهانی نقل قول دارند: «اهداف تدریس اخلاق طبابت این است که اطمینان حاصل شود تااطباء به موضوعات اخلاقی دراتخاذ فیصله ها درطول حیات خود حساس باقی بمانند.»«دقیق سخنان نغز وپرمغزی راکه استادان گرامی ما دردانشگاه کابل ودعوتها بیان میداشتند که ژورنالیستان نیز به مثل طبیبان حاذق وصادق معرف شخصیتهای شان ومحرم اسرار رازها و نیازهای مردم شان وبامنتهای ادب واخلاق میباشند. استادان ماچون جناب هاله صاحب میگفتندازآنجایی که اخلاق هنراست وهنراخلاق، وهنر وعلم وفن روزنامه نگاری اصول مستلزم ادب واخلاق درهمهٔ عرصه های زندگی ژور نالیستیک را هرژورنالیست باید مدنظرداشته باشد .

کتاب دوم هم تتبع ونگارشش راکه جناب داکتردستگیر متخصص جراحی عمومی وفعلاً متقاعد انجام داده اند، (مشابهت اوضاع سیاسی قرن زده تا بیست ویک) رامورد کنکاش قرارداده «:ویتنام باافغانستان امروز «رابه بررسی گرفته وگفته اند که این اثر را به پیران، طفلکان، زنان ومردان معصومی که حملات ظالمانهٔ انتحاریان طالب به حمایت استخبارات پاکستان و امریکا جان باخته اند، تقدیم کرده اند .

داکتردستگیرمنحیث یک صاحب قلم مبارز نقل قول از گاندی هم در این کتاب داشته: «اول شمارانادیده میگیرند، سپس بر شمامی خندند، بعد تر با شمایجنگند، ولی در آخرشما پیروز میشوید!»(باآرزوی طول عمروسلامتی کامل وسعادت دارین جناب داکتر دستگیر .

این نوشته بازم درروزهای کرونایی یا کووید۱۹ که آرام آرام این واژه هاوکلمات درادبیات مان شامل شده، وهنوزهم بحیث تهدیدبزرگ در سطح جهانی باقی مانده است، وزندگی مردم گیتی رادرتمام عرصه هاوهمه ابعادحیات انسانی تحت الشعاع قرارداده، همانطور که هنری کیسنجرتحلیلگر کارکشتهٔ معاصر

امریکادرمقالهٔ تحلیلی اش دروال ستريت ژورنال گفت که زندگی در واپسای کرونا درسطح جهان همان زندگی قبل از۱۹ دسمبر۲۰۱۹ که کووید۱۹ درسازمان صهی جهان ثبت شد، نخواهدبود، وجرقه هاوبارقه های ناشی ازآن تاسال های زیاد باقی می ماند .

امسال ۲۰۲۰ رابه شکلی داریم همه درخانه سپری میکنیم که در آنجاهم عضای خانواده هستند، اگرسرفهٔ عادی هم نمایند يادل تنگ کسی ضیعی کند لاجرم درداخل خانه (دبل قرننتین) میشود! کسی بیسی خودرا بخارد یاپاک کند وسوسه ایجادمیشود که بخدا آمد وگرفت! رقمش خو مثل حملهٔ (کرولا= کرونا) واری مالوم میشه !!! اعیادی را که سپری شد، به عید دوری هاودوستی هالقب داده اند !

به گفتهٔ پدرو سانجر صدراعظم سوسیالیست اسپانیه که پس از پنجصدسال صدای اذان محمدی (ص) از آن کشوربلند میشود، درسخرانی های کرونایی خود گفت ای جهانیان وای اهل دنیا، ببینید کعبه بسته، واتیکان بسته، اماکن و دواپرودفاتر وفابریکات و... همه بسته، آدم از آدم گریزان واز کرونا نالان، پس به خداچنگ بزنید وبه همدیگرباحرمت واحترام به همه ادیان، مذاهب، آیین ها، زبان هاو رنگ وپوست ونژاد وقوم و... باتفاهم وصلهٔ رحم ومهربانی رفتار نمایید ! آنچه که آمده جهان رادرگون ومنقلب ساخته، پس خداوند آن چیزی را که دوست دارد انسانیت است، وانسان وانسانیت راحرمت نهادن وخدمت نمودن وبه حقوق همهٔ شان احترام داشتن، تاکید وتاییده همه ادیان و مذاهب میباشد .

به همین ترتیب بسا ازرهبران دنیامعادل همچو سخنان انسان دوستانه و بشرخواهانه وصلح پسندانه را که تمکین به ابنای بشر میباشد، شامل بیانات خویش نمودند— البته رهبرانی که اصل اصیل زعامت وقیادت و(لیدرشی) را بلد اند ومیدانند، وبعضی شان که هنوز که هنوزاست نمی دانند چه بگویند وجه بکنند، هنوزهم (بی خلطه !) فیرمینمایند ! چندی قبل درهمین اوضاع کرونا زدگی! آقای ترمپ علیه چهارزن عضوکنگرس امریکاسخنانی ابراز کرد که از نظراهل قلم وکلام وبرنامه های انسان محور وتی سیاستمداران معتدل ومثبت نگر، آن سخنان نژادپرستانه وجنسیت زده ودور از کرامت بشری پنداشته شد، وقسمی توجیه گردید که همچو موقف گیربها سوء استفاده ازآزادی ومردم سالاری می باشد .

هیلری کلنتن نامزدریاست جمهوردرسال ۲۰۱۶ هم از اظهارات ترامپ در بارهٔ زنان دموکرات کانگرس رابشدت انتقاد نمود. وی زمانیکه خانم اول ایالات متحده وبعد وزیرامورخارجه دردورهٔ اول بارک اوباما بود، سخنان ترامپ را دربارهٔ رشیده طلب، آریاناپرسیلی، الکسنیا و کاسیو کورتز نژاد پرستانه شمرد. شایان یادآوربست که دونالد ترامپ دریام تیوتری خطاب به چندنمایندهٔ زن دموکرات نوشت: بهتراست به کشورهای تان برگردید وبه مناطق جنایت زدهٔ تان ! خانم کلنتن دموکراتانی را که هدف لفاظی ترامپ قرارگرفته بودند اهل ایالات متحده خواند. ترامپ از الحان عمر هم انتقاد کرد، عمر درسومالیاتولد شده ودرد۱۲سالگی به امریکا پناهنده گردید .

این مشاجرات زمانی قمچین گردید وبرطبل آن کوبیده شد که نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان درصحبت ازاین افراد یادنمود که ایشان یک دنیای عمومی ویک دنیای تویتری دارند واز همین طریق هم رای بدست آورده اند، و او کاسیوکورتز همچوسخن پهلوی سخن گذاشتن رابی احترامی شدید به زنان ودرمجموع مردم (رنگین پوست) و (تاریک پوست) توصف نموده بود .

بدنبال قتل جورج فلوید واینکه افسرپلیس اضافه ازهشت دقیق زانوی خود رابرگردش کنده زده بود، گند ورسوایی اپارتاید وتبعیض نژادی یکبار دیگربه مشام هامحسوس گردید وهنوز ادامه دارد . درهمین چندروزهم که جو بایدن کاندیدحزب دموکرات برای انتخابات ریاست جمهوری، که سناتور کامیلا هریس، زن لایق تاریک پوست رابه معاونت خوددرانتخابات معرفی نمود، ترامپ باز هم به او حمله نمود و او را احق خواند ! درحالی که بسیاری ها میگویند جوبایدن بااین کارش درجو حاکم وفضای آگنده ازاختناق بایک تیرچندنشانه گرفته، اینکه هریس رنگین پوست است، و زن است، و اینکه سابقهٔ کاری سناتور و قاضی دربزرگترین ایالت امریکا یعنی کالیفورنیا را در کارنامهٔ خود دارد . سناتورهریس از زمرهٔ اقلیت هاست واینکه والدینش نژاد هندی و جامایکایی دارند وهمه مردم منزجر ازواضع کنونی رامتایل میسازند که زمینهٔ آترامساعد بسازند که جنس اول ودومی نیست بلکه همه انسان اند. بالاخره امکان آترافراهم کنند که درسوم نومبر معلوم بشود که آیندهٔ چهارسال بعدی اسکان رهبری کاخ سفید را کدام تیم یاحزب یا ایده بدست خواهد گرفت .

درعین حال معادل همچوگیها وسخنها بارها اززبان (اصولی ها) وبی اصولها وطاقتها یونها که شاگردان محمد گل مومندها ودیگرفرزدان ناخلف ازهمان قماشها، به مراتب گفته اند که فلان قوم برودبه فلان کشور وفلان قوم برود به آن کشور دیگر...

وجفنگ هایی از این دست، گویندگان چنین لاطائلات همه غرق درلجن اند ودرمنتهای بی مبالاتی وبی تفاوتی درمقابل انسان وانسانیت می باشند !

آری، بقول گاندی، انسان که غرق شود می میرد چه در دریا، چه در رویا، چه در گناه، چه دردروغ، چه درلاف وگزاف وجه درجهل ونادانی، چه درخودبینی وتکبر، چه درخوشی وناخوشی وناهنجاری . چه درقدرت وجه در برتری جویی وجه دربی تمکینی، چه درکینه وحسد وانتقام جویی و... مواظب باید بود که غرق نگردید، انسان بودن وبدان التزام داشتن خودبه تنهایی یک دین خاص است که پیروان چندانی ندارد، مثالهای زیادی از آن درجو حاکم توسط ناپخردان کم نیستند.

اوریافالاجی از روزنامه نگاران مشهورجهان که کتاب مصاحبه هایش با رهبران دنیا ونوع دیالوگها و مونولوگهایش ارائه شده، در دنیای ژورنالیسم قابل لمس ومکت است . اومیکفت: به من بگو دست است که قاتلی را که با فیردوگلوله کسی راکشته به روی چوکی (الکتریکی= برقی) بنشانند، ولی بعد باافتخارکسانی را که بادستهای شان هزاران گلوله راشلیک نموده وشهریا محلاتی راتخریب کرده به آتش کشیده اند، برایش تکت پُستی یادیودی چاپ کنند یابه گردنهای بستهٔ شان مدال آویزان بدارند یاهم به سینه های نافراخ شان ازمدالهاجای باقی نماند. می گویند میدانم که همیشه اوضاع بدین منوال پیش رفته ومبرود! چون اینرا هم میدانم که تاریخ رابه ارادهٔ فاتحان و قدرتمندان وغاصبان وزورگویان نوشته و رقم زده اند !

مگر درکشورخود ندیدیم ونمی بینیم که کسی که بخاطرگرسنگی یا مریضی نان یا دویی را دزدیده، سالها زندانی میسازند وکسی لای دوسیه اش رابالا نمی نماید، اما انس حقانی ومالی خان وحافظ رشید با اعزاز واکرام رها می گردند؟! چنانچه لویه جرگهٔ مشورتی هم بجز ازخاک به چشم مردم زدن چه سودی داشت ؟ عمل انجام شده که چهار ونیم هزارجانی رهاشده وبخاطر چهارصد دیگر ۳۳۰میلیون از پول یتیم ویوه وصغیر، ودرین حالت کرونایی که یار ازیار میترسد! اینان اضافه ازسه هزارنفررا درزیریک سقف جمع می نمایندتابعداز رهایی ها فقط دو استانکزی باهم ببینند یعنی ملاعباس استانکزی و معلول معصوم استانکزی !!!

به راستی بایدآموخت وازخدا ترسیده وبخودآمد در شادی علت باید بود نه شریک و درغم شریک باید بود نه علت . هرقول وقراریکه میدهند که جمهوریت خط سرخ ماست، وثیقهٔ ملی وقانون اساسی خط قرزماست، همه را ملاشاهین وملا مجاهد وملا برادر دریک جمله سبوتاژ میکنند که امارت اسلامی حرف بعدی رامیزند، اماگوش آنان کر است زفریاد بیکسان !

سپس شکوه ناسزاست که درگوش کرشود . هرچه بگویی وبنویسی انگار که بادیاور گپ بزنی. میگویند یهودی درکنار (دیوار) در اورشلیم برای عبادت ایستاد، خبرنگاری ازوی پرسیدچه دعاداری؟ گفت برای وحدت ادیان و همزیستی مسالمت آمیز وحرمت به انسان دعابا (دیوار) دارم . خبرنگار جستجوگرپرسید که آیا کدام تغییری بااینهمه نیایش ودعاداری، او گفت تصور میکنم دارم با (دیوار) حرف می زنم !

آری باچهل سال قلمزنی، ماهم بادیاور صحبت داریم ! ./

صالح و صلح

درک می کنند، سرعت عمل و واکنش سریع و شدید طرف مقابل است که سه روز بعد از مصاحبه اخیر و یک روز پس از سخنرانی صالح در محفل هفته شهید صورت گرفت. این بدان معنا است که آنها از قبل دست به ماشه و در کمین بوده اند و صالح در تیررس شان قرار داشته است .

نیکولای کوزیچکین، افسر کاجی بی که در اواخر دوره شاه و آغاز انقلاب ایران، تحت پوشش دیپلمات در سفارت شوروی در ایران فعالیت میکرد. بعد از پیوستن اش به انتلیجنت سرویس انگلیس، خاطراتش را در کتابی تحت عنوان، کاجی بی در ایران نوشت. او بیان داشته، زمانیکه شاه ایران در همکاری با امریکا و اسراییل تحرکاتی را در مرز ایران با جمهوری ترکمنستان انجام داد، خشم کرملین را برانگیخت. بریژنف برای حذف فزیکی شاه ایران، رییس اداره یکم کاجی بی را مامور ساخت تا شاه را ترور نماید. مقدمات این سوء قصد چند ماه طول کشید تا رییس اداره یکم کاجی بی به بریژنف اطمینان داد که ماموریت ترور، در صبح روز جمعه که شاه از مرکز شهر بسوی کاخ سعدآباد عبور میکند، در مسیر راه وی انجام میشود. بریژنف با اطمینان از پیام رییس کاجی بی، در ملاقاتی با رییس جمهور آنوقت امریکا گفت که عنقریب، شاه ایران، همچون سیب گندیده در برابر شوروی به زمین خواهد خورد. اما عملیات ترور بنابر اشتباه تخنیکی اجنت مؤظف، صورت نگرفت و شاه عبور کرد . (صفحهٔ هفتم)

عبدالحمید

معاهده قطر چرا مردار تر از دیورند و گندمک است؟

آنچه در قطر بین زلمی خلیلزاد غلزی، نماینده خاص رییس جمهور امریکا و طالبان در قطر امضا گشت افشا نمی شود زیرا محتویات این معاهده بعدی شرم آور ونگین است که افشای محتویات آن آبرو را میریزاند. برای اینکه به محتویات این معاهده پی برده بتوانیم، بایدتاریخ افغانستان رامرورکرد. آنچه درقطر بین امریکا، میراث دارانگلیس، گذشت، کاپی قرارداد و معاهداتی است که بین امیردوست محمد وسردمداران خاندان محمدزایی گذشت.

از سال ۱۸۳۰ به بعد سیاست بریتانیا در قضایای منطقه تغییر می کند. این تغییر به این معنا است که بریتانیا سیاست تجاوزی را نسبت به روسیه در دفاع از شبه قاره هند اتخاذ می دارد. این زمانی است که امیر دوست محمد خان بارکزایی درکابل ادعای امارت دارد. امیر دوست محمد خان هرگز قصد و خیال یا توانایی پیشروی بسوی هند تحت اشغال بریتانیا، به تحریک ایران، بخارا یا هر قدرت اروپایی را نداشت. انگلیس ها برای اینکه خود را برحق جلوه داده باشد پخش و تبلیغ این دروغ را شروع کردند که روس ها قصد اشغال هند ورسیدن به آب های گرم را از طریق افغانستان در سر می پروراند. انگلیس ها سیاست تبلیغاتی مشابه را در مورد ایران مطرح ساخت. این سیاست بریتانیا بنام سیاست الن بارو (Ellenborough Doctrine)مشهور گشت چون طراح این سیاست وی بود. هدف از این سیاست پیشروی به بهانه جلوگیری از پیشروی روسیه بسوی شبه قاره هند بود.

از همین جا است که بریتانیا عمیقاً وارد سیاست افغانستان می گردد. برای اینکه به سیاست خویش جنبه عملی داده باشد اشغال افغانستان در راس ماجراجویی های انگلستان قرار می گیرد. این ماجراجویی ها عواقب وخیمی را برای بریتانیا در پی داشت. زیرا انگلیس ها خود را بشکل مستقیم در اداره جغرافیه ای که بعدا بنام افغانستان مسمی گشت در قرن ۱۹ درگیر ساخت. این به این معنا است که ظهور افغانستان بحیث یک حیطه جغرافیایی در اواسط قرن ۱۹ مطرح می گردد و پیش از آن هیچ سند و ثبوتی در مورد پدیده افغانستان در آرشیف تاریخ بین المللی نیست. این ادعا که افغانستان تاریخ پنج هزار ساله دارد سرقت تاریخ اقوام ساکن منطقه توسط یک گروه بنام افغان است که خود قادر به معرفی خویش نیستند.

یک و نیم قرن بعد در دهه ۱۹۸۰ که مصادف با اشغال افغانستان توسط قشون سرخ شوروی می باشد، پیروی سیاست مشابه توسط امریکا مطرح گردیده و ایجاد مجاهدین توسط امریکا به بهانه جلوگیری از رسیدن شوروی به آب های گرم، فوتو کاپی سیاست قرن ۱۹ انگلیس در مورد منطقه است. قابل یادھانیست که بعد از جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹ – ۱۹۴۵م) امریکا خود را میراث دار سیاست انگلیس در منطقه تحمیل کرد.

انگلیس ها غرض تحقق بخشیدن به سیاست خویش قبیله محمدزایی را درافغانستان کرایه کرد چون یک حقیقت مسلم است که قدرتهای استعماری افغان ها را کرایه می توانند ولی خریده نمی توانند. افغان ها هم برای اینکه توانسته باشند به حیات ننگین خویش ادامه دهند به پیروی از سیاست بلهوسی با کمال خوشی خودرا درخدمت قدرت های خارجی کرایه می دهند. انگلیس ها با دوست محمد خان موسس خاندان محمدزایی ها (بارکزایی) تماس گرفته و وی را اجاره می کند.

بعد از سال ۱۸۴۰م که مصادف است با دست اندازی انگلیس ها بالای افغانستان و تایید امیر دوست محمد، بزرگ قبیلهٔ محمدزایی، بحیث امیر افغانستان، افغانستان به خط مقدم جبهه مقابله انگلیس ها با روسیه مبدل می گردد. بعد از تراژیدی ۱۸۴۱ –۲ که بنام جنگ اول افغان –انگلیس شهرت یافت، انگلیس تصمیم گرفت که افغانستان را بشکل نیابتی اداره نماید. تایید امیر دوست محمد بحیث امیر کابل باین معنا بود که امیر خود و قوم و قبیله خویش را در بست در خدمت انگلیس ها قرار می دهد. انگلیس ها منبعد محمدزایی ها را از طریق دادن پول نقد، اسلحه و حمایت معنوی استخدام می کند. خدمت قبیله محمدزایی برای انگلیس ها از هر نگاه بنفع بود زیرا این کار با مداخله مستقیم انگلیس ها از هیچ نگاه برای انگلیس ها اقتصادی نبود.

محمدزایی ها پولی را که از انگلیس ها بدست می آوردند بنام تحفه خدایی قلمداد می کردند. در حالیکه هدف توسط انگلیس ها تعیین می گشت امیر دوست محمد وقوم و قبیله وی مکلفیت اجرایی داشتند. در همین جا است که انگلیس ها طی معامله با روس ها دریای آمو را مرز بین حوزه نفوذ روس ها و انگلیس ها معین می دارد. این حوزه در حیطه افغانستان کنونی بنام

حیطه زمامداری محمدزایی ها درج تاریخ افغانستان می گردد. سیاست انگلیس در مورد افغانستان عجایب خود را داشت. در حالیکه هدف و مرام از انگلیس بود ولی اجرای آن از طرف افغان ها !

افغان ها اکنون بحیث دژ مستحکم در برابر پیشروی روس ها بصوب شبه قاره هند تایید گشت. از اینجا است که نقش افغانستان در تاریخ بنام کشور حایل (buffer state)شهرت یافت. بعد از فتح سمرقند و بخارا توسط روس ها در دهه ۱۸۶۰ در دوران امارت دوست محمد خان، حیطه افغانستان بحیث حوزه نفوذ انگلیس ها در برابر روس ها قلمداد گشت. این باین معنا گشت که دفاع امرای محمدزایی وظیفه و مکلفیت انگلیس ها در برابر روس ها گشت. محمدزایی ها در مقابل، این صلاحیت را از انگلیس ها کسب کردند که در سرکوبی ساکنین افغانستان دست باز دارند. اینکه امارت دوست محمد خان از محدوده کابل به صوب قندهار، هرات و بلخ توسعه یافت، از اثر توافقاتی بود که بین انگلیس ها و ایرانی ها و روس ها حاصل شد. امیر دوست محمد خان در شامل ساختن این شهرها در حیطه زمامداری خویش نقشی نداشت ! درگیری انگلستان در افغانستان ذره ای بخاطر مردم نبود. تمام تپ و تلاش برای تامین منافع انگلیس ها در منطقه توسط امرای محمدزایی افغان بود. قبل از آن قبیله سدوزایی برهبری شاه شجاع، نواسه احمد ابدالی، موسس افغانستان با قبیله محمدزاییی برای نوکری انگلیس ها رقابت کرد ولی بازی را باختند. آنچه امروز در قطر بین امریکا و طالبان می گذرد تکرار تاریخ افغانستان است. مذاکرات قطر بین زلمی خلیلزاد و طالبان بعدی شرم آورد بود که هر دو طرف از افشای آنچه صورت گرفته است ابا می ورزند.

طالبان حین بیعت به اسامه بن لادن در سال ۱۹۹۸م جهاد علیه امریکا را بعد از کلمه، نماز، روزه، زکات و حج رکن ششم ایمان قبول کردند. بالاخره گپ بجایی رسید که عین طالبان دفاع از منافع امریکا در افغانستان و منطقه را پذیرفته و موافقت نامه امضا می کنند. شرط طالبان در برابر این خود فروشی این است که امریکا این گروه مفسد شرور تروریست را بحیث زمامداران افغانستان بپذیرند. برای گرفتن مقام و منزلت به ماسکو رفته و قبر لنین را زیارت میکنند، با امریکا روبرو قرار گرفته نوکری امریکا را می پذیرند ولی ازمذاکره مستقیم با غنی غلزی وبا مردم افغانستان ابامی ورزند !

زلمی مموزی خلیلزاد غلزی یک دیپلمات افغان امریکایی است. وی برای دو سال است که ماموریت مذاکره با طالبان را از طرف امریکا بدوش دارد. وی بتاریخ ۲۲ مارچ ۱۹۵۱ در شهر مزار شریف متولد گشت. زلمی خلیلزاد متاهل بوده و باخانمی بنام شرلی بنارد Cheryl Benardازدواج کرده و عضویت حزب جمهوریخواهان امریکا رادارد. زلمی خلیلزاد دو اولاد بنام های الکزنדר بنارد Alexander Benardو ماکزملین بنارد Maximilian Benardدارد./

(برگرفته ازسایت افغان پیپر)

صالح و صلح

واکنش سریع تروریستی، در برابر اظهارات اخیر صالح، از جانب هر دستگاه استخباراتی که باشد، نه تنها تهدیدی جدی محسوب میشود، بلکه نمیتواند، صرفاً کار گروه های تروریستی داخلی باشد.

بدون شک، صالح انسان آگاه، پُر شور و توانمندی است که رؤیای رسیدن به رهبری افغانستان را در سر دارد. و به این واقعیت تلخ نیز ملتفت است که بدون پشتیبانی سیاسیون پشتون، نمیتواند به این مأمول جامعه عمل پوشد. باری او گفت که سیاست، اقتصاد و فرهنگ باید پشتونیزه شود. مدام از افتخارات تاریخی پشتونها یاد می کند و داعیه دار پر و پا قرص دیورند و سرزمین های آنسوی آن است. او از همین حالا، در یک رویکرد بی پیشینه، روی حمایت ناسیونالیست های پشتون که گرایش ضد پاکستانی دارند، برای کاندید شدن در انتخابات بعدی حساب باز نموده و اتهامات عدیده تاجیکان را در این راستا، بجان خریده است. اما قبیله گرایی مفرط و عدم بلوغ سیاسی نخبگان پشتون، این رؤیای او را دست نیافتنی می نمایاند.

افزون بر این، در مسیر راه دشوار او تا هدف، طیف وسیعی از رقبا و دشمنان خودی و غیرخودی، داخلی و خارجی همچون کشتزاری از مین قرار دارد که عبور از آن، هفت خوان رستم را در ذهن تداعی میکند. من بعنوان دوستی منتقد، همواره در مورد خطرات این ریسک سیاسی، بوی هشدار داده ام و حضور او را در اردوگاه بیگانه، مخاطره آمیز دانسته ام .

همانگونه که حمله دیروز، اولین سوءقصد بجان صالح نبود. مطمئناً آخرین اقدام تروریستی نیزیرعلیه اونخواهد(ص پنجم)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰)دالر= یکسال(۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر = یکسال (۹۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۵۰) دالر= یکسال (۱۰۰)دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

ترجمهٔ پروفیسرلطیفی الکسندریه ، ورجینیا

اشعارمنتخب در اندیشهٔ قرانتین کرونا دریاچه Le Lac

بارچه شعرمعروف لامارتین ، شاعرشهریر فرانسه

کشتی حیات ما همواره به سوی سواحل جدید

در شبستان ابدیت، بدون بازگشت رانده می شود ،

آیا روی اقیانوس زمان هرگز نخواهیم توانست

یک روز هم به خواست خود لنگر اندازیم ؟!

ای دریاچهٔ سرد و وارسال به نهایت خود نزدیک می شود

و درنزدیکی امواج عزیزت که «او» «نیز باید نظاره می کرد ،

بنگر من تنها آمده ام ، روی همان سنگی بنشینم

که تو اورا پهلویم نشسته دیده بودی .

توهمینطور روی سنگهای ساحلی ات پرشور ونااله بودی،

همچنان امواجت در کناره های بریده ات درهم می شکست،

وبادموجه های کف آلودت راروی پاهای محبوب اودرهم میپاشید.

آیابه خاطرداری که یک شب ماهرdo باآرامی قایق می راندم،

و از دور روی آب ها و زیر آسمان ها،

صدایی به گوش نمی رسید، جز برخورد دلنوازیلجهٔ چمچمه زن ها

که امواج پر ترم ترا روی هم می کوبیدند ؟ ناگهان یک زمزمهٔ

دلنشین وناآشنا به زمین، از سواحلت به انعکاس در آمد

و کلماتی را که برای من عزیزبود، چنین به صدا آورد :

ای زمانه پروازت رامتوقف ساز، وشما لحظات پرسرور زندگی ،

سیر همیشگی تان را توقف دهید،

بگذارید ازخوشی های زودگذر خود

دربهترین روز های حیات لذت ببریم ...

ولی چه بسا دردمندان و شوریختانی که تمنا دارند

برای آن هاسریعتر بروید و زودتر بگذرید ،

بی توقف برویدوآلام شان راکه گلوگیرشان شده است باخودببرید ،

بروید و خوشبختان را فراموش کنید !

پس درین ساعات زودگذر همدیگر را دوست بداریم

عجله کنیم و شتابان شادمانی نماییم ،

سرنوشت انسان ایستگاهی ندارد و زمانه هم بی کناراست وساحلی ندارد،او به سیرخود ادامه می دهد وما پیهم پدرود می گویم .

ای ابدیت، ای عدم، ای گذشته ها وپرتگاه های تاریک،

شما باآن روزهایی که از مابه یغما بردید، چه می کنید ؟

جواب بدهید، آیا خوشیهای دلاویز راکه ربودید بما بازخواهید داد؟

ای زمانهٔ حسود، آیا لحظات سرمستی و سرور ما

که عشق در مسیرموجه های پیهم خودسعادت را ارمغان می دهد،

میشودکه آهسته تربه پروازآید وباهمان کندی روزهای بدیختی ازمادورشود؟

آیا نمیتوانیم افلاّنشانی ازگذشت شان را دریابیم ؟

آیا برای همیشه می گذرند و دور می شوند و به فنا می روند ؟

پدیدهٔ زمانیکه آنها ربه ما داد وازما گرفت، واپس بما نخواهد داد ؟

ای دریاچه ، ای سنگلاخ های خموش و ای جنگل های تاریک ،

بگذارید در وزش نسیمی که زمزمه می کند و می لرزد ،

در پژواک صداهایی که از کنارهٔ تا کنارهٔ دیگرت طنین می اندازند ،

در پرتو اختران وستارگانی که در آسمان می درخشند

و با انوار ملایم خود همه چیز را روشن می سازند،

و در انعکاس پرنالهٔ باد ها و در زمزمهٔ نیستان ها ،

درپژواک هرصدایی که می شنویم ودرنمای همه مظاهری که می بینیم،

و در همه رایحه هایی که به مشام می رسد ،

و در همه جا و بایک صدا بگویند :

آن ها همدیگر را دوست داشتند ! /

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخهٔ آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 29, Issue No. 1074, SEPTEMBER 21, 2020, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرا به آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه دسمبر ۲۰۱۹ ارسال دارند. تلفون ۰۰۴-۴۳۵-۵۷۱ mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192—7075 U. S. A.

کنفرانس بین الافغانی = مرگ غنی احمدزی

اگرصلحی بیاید باعث اختتام قدرتش میشود، از آنرو ازآزادکردن بعضی ازطالبان به بهانهٔ اینکه (خطرناک) هستند ابا میورزد. چنانچه دربخش دوم شورای امنیت ملل متحد، قطعنامه آقای خلیلزاد چنین می خوانیم «:امریکا وطالبان دریی ایجاد روابط مثبت بایکدیگر هستند وانتظار دارند روابط دولت اسلامی جدید افغانستان که پس ازمذاکرات بین الافغانی ایجاد خواهدشد، با امریکا مثبت باشد. «
تعمیل این مادهٔ قرارداد، مرگ سیاسی اشرف غنی احمدزی را تضمین می کند، ازهمین نگاه است که تاکنون مذاکرات بین الافغانی تحقق نیافت است . و حالا هم که ظاهراً هیئت انتخابی احمدزی به ریاست عبدالله عبدالله به قطر رفته، نتیجهٔ دلخواه امریکا ازاین مذاکرات بدست نمی آید، زیرا غنی احمدزی قصداً فهرست اعضای هیئت راطوری تنظیم نموده که به هیچ نحوی ازانحا برای پاکستان وطالبان مورد قبول نیست ! / .

کشورهای خلیج و عربستان و دیگران ازحرکات آزادمشی مسعود شاکي بودند وازدادن پول به اوخودداری میکردند. داکترعبدالله عزام تبعهٔ فلسطین که ازاعزازواحترام خاص دربین عربها برخورداربود وبه او(امام) میگفتندودرجلب همکاریهای مالی کشورهای عربی برای مجاهدین افغانستان نقش بارزی داشت، ازمسعود نفرت داشت . اونه تنهائین نفرت و دشمنی رادربرابرمسعود برای هفت سال داشت، بلکه نابودی او را هم آرزومیکرد ودرسخنرانی هایش به دیکتهٔ نظامیان پاکستان و اشارات گلبدین که خودرا دردل اوشیرین کرده بود، به مسعود اتهامات ناشایسته مانندجاسوس امریکا وفرانسه وغیره که هرگز شایستهٔ مسعود آزادمنش وپاکنهاد نبود می بست، تااینکه به پنجشیرسفر کرد وبا مسعودآشناشد (وبه گفتهٔ خودش مجاهد حقیقی را پیداکرد) شیفته و گرویدهٔ اوبحدی شدکه به مرگ وشهادتش تمام شد، که آی اس آی و گلبدین درقتلش دست داشتند.

عبدالله عزام که دوباربه ملاقات مسعودنایل شده وحاصل آن کتابی است تحت عنوان «یک ماه با قهرمانان»، یکماه پیش ازشهادتش درسخرانی وسیعی گفت: «من هرگزنمی توانم میان مسعود وناپلیون مقایسه کنم وآنها را دردیف هم قراردهم، چون شاهکارهای که مسعود ازخودنشان داده به مراتب بزرگتر ازآن چیزی است که ناپلیون انجام داده است . مسعودقدرتی را به زانو درآورد که ناپلیون دربرابرآن شکست خورد . اتفاقاً مسعود درمقابل همان فرماندهی جنگیده که ناپلیون راشکست داد! سخاروف که بامسعود درگیربود، شخصاً فرماندهی جنگ واترلو رابعهده داشت که به شکست ناپلیون انجامید. سلوکوف نایب وزیردفاع اتحاد جماهیر شوروی هم از کسانی بود که دربرابر مسعود جبین ذلت سایید .

داکترعبدالله عزام این فیلسوف نامدار عرب درآن سخنرا اش درمورد مسعود، درحالیکه قطرات اشک درچشمان خود داشت گفت: «درآخرین لحظاتی که با اووداع میکردم، دست نیاز روی سینه نهاده وبه زاری گفت: خدایا ! تواین جوان را ازمانگیری، چون فقدان او ضایعهٔ بزرگی برای ملت افغانستان و تمام جهان اسلام خواهد بود.»(دنباله دارد)

گردد . اماقبل ازآن به پارچه شعر استاد سخن و خطاط ماهر حضرت محمدابراهیم خلیل، که من افتخارشاگردی شان رادرخوش نویسی داشتم ، امابه شاعری تشویقم نکرد، توجه شمارا جلب می نمایم. این پارچه به خط شکسته نوشته شده وزنگوگراف درپشتون ژغ قوس ۱۳۲۶ش یعنی ۷۳سال قبل ازامروز(۲۰۲۰م) به طبع رسیده، عنوان دارد :درتوصیهٔ خدمت به وطن

هرکه خدمت کند ازروی صداقت به وطن میشودنامور وصاحب شهرت به وطن
نازم آن تازه جوان را که به رویش پیدااست آ برو ازعرق کوشش وخدمت به وطن
باشرافت بودان کس که درنجات امور به صداقت دهد ابرازلیاقت به وطن
تأثیرزند به پایش عرق سعی وتلاش کی برموندشود نخل سعادت به وطن
علم را پیشرو خویش عزیزان سازید تا نماند اثر جهل و ضلالت به وطن
کوشش کن که چورفتی ز توماندنامی ازجوانمردی وسربازی وغیرت به وطن
تابه اثبات رسد دعوی حب وطنت کوش تایش رودصنعت وحرث به وطن
صورت الفت اطفال و کنار مادر بساین چنین است دلا حق محبت به وطن
جهدودلسوزی بسیار ضرورست خلیل تا شود گرمی بازار تجارت به وطن

صفحه از زندگی قهرمان ملی

پر زرق و برق درصدد بودند تامسعود رایبه پاکستان ببرند ودرآنجا به حقش برسند! ولی مسعودکه بگفتهٔ رئیس آنوقت سی آی ای، رابرت گیت، چشمان زیرک داشت وتیزهوش بود فریب این تزویرها رانخورد تااینکه جنرال محمدضیالحق (که پیروان گلبدین درچهار آسیاب لوگر ودرمناطق تحت کنترول شان درجلال آباد ومشرقی پورترینهای او را زینت دیوارها وخانه های خودساخته بودند ! ونویسندهٔ این سطور آنهارابه چشم خوددیده است)، نامهٔ خاصی به مسعودنگاشت واورا مجاهدکبیرخطاب کرد وعذرانه نوشت که برادرانت درپاکستان مشتاق دیدار تو هستند، بارنجه کردن قدوم مبارک چشمان ماراروشن ودلهای ماراشادب ساز. مسعوداین دعوت راپذیرفت وقراربرآن شدکه دوفروند هلیکوپترنظامی پاکستان درمنطقهٔ فرستاده شد که حامل چندجنرال ومامورین ارشدنظامی آن بودند .

درووزاول مسعود بنابرمصروفیتهای جبههٔ که داشت آمده نتوانست، آن جنرالهای پاکستانی انتظارکشیدند. بروزدوم هم مسعودنیامد، دستگاه نظامی پاکستان به آن جنرالها امرکرد که هلیکوپتر آ راگرفته برگشت کنید، و هلیکوپتر ب را درهمانجا بگذارید. آمدن مسعود بروزسوم هم معلوم نشد. دفتر آی اس آی به هلیکوپتر ب امرکرد که بازگشت نماید، وقتی مسعود بروزسوم درآن منطقه رسید هلیکوپترقبلا پرواز کرده بود. نظامیان پاکستان درکله چنین که مسعود رابا خلبان هلیکوپتر یکجا درفضا منفجرنمایندتا ازیکطرف حادثهٔ اتفاقی جلوه داده شود وکسی آنها رامسئول ازبین بردن مسعود نداند، وازطرف دیگراز دردسری که ازجانب مسعود داشتند خلاص شوند .

باردوم تزویر قویترسنجیده شد، جنرال ضیالحق بانامهٔ خاص خود پنج جنرال بلندرتبه وشناخته شده اش رابایک فروند هلیکوپتر نزدمسعود در پایگاهش درپنجشیرفرستاد، عذرانه وبا تزویروتقلب ازمسعود دعوت کرده بود که به پشاوربیاید. مسعود نامهٔ ضیالحق راخواندوبه آن جنرالهای پاکستان گفت شاهمینجا مهمان باشید ومن میروم . اوباجندتن ازمجاهدین بادیگاردش درهمان هلیکوپتربه پشاور رفت وپنج جنرال نامدارپاکستان درپنجشیرماندند!

جنرال ضیا وبزرگان نظامی واستخباراتی پاکستان ازاین عمل مسعود بهت زده شدند ودستپاچه گردیدند، وامرکردند تاآن پلانی را که (برای ترور مسعود) طرح شده بود، فوراً خنثی گردد ودرعوض امرداده شد تاامنیت مسعود بحدی گرفته شود که حتی درپایش خاری نخلد. مسعود باشور وشعف مردم چنان استقبال گردید که نظیرش درتاریخ دیده نشده بود. مردم ازخوشحالی اشک میریختند وتکبیرمی گفتند. نظامیان ودستگاه استخبارات پاکستان در تشویش وهراس بودند که به مسعود چیزی واقع نشد وازسرنوشت پنج جنرال نامدارخود درهراس بودند !

تدابیرامنیتی برای مسعود به اندازهٔ ضیق ودقیق گرفته شد که ازفضاهم هلیکوپترها واز زمین دستگاههای استخباراتی حتی حرکت یک مورچه را تحت کنترول گرفته بودند. مسعودیک ونیم ساعت سخنرانی کرد ودوباره راهی دیاراش شد. توطئه پاکستانی ها خنثی شد ومسعود صحیح وسلامت به پنجشیر بازگشت .

حاکمان پاکستان ونظامیانش ازدستآوردهای نظامی وموفقیتهای مسعود دربرابرقشون سرخ ازحسادت وحسرت چون مار بخودمی پیچیدند و برای مطیع ساختن یانابودی او هرآنچه فریب ونیرنگ وتملقی که داشتند بکار بردند تامسعود را رام سازند ویآرام . مسعودهرگز سرتسلیم به آنان خم نکرد. حکمرانان پاکستان ازشلیم نشدن مسعود مأیوس شدند وپلان های ترور او را ارجحیت دادند، که بعداً درمورد عدهٔ از آنهاصحت خواهیم کرد.

«بهتر است این فصل راجعت توجه مزید شما باین بیت مستغنی پایان دهم: نمی بخشد سخن، بی التفات گوش، تأثیری اگر اکبر وگر مهدی کند بالفرض تقریری

به تعقیب جلداول، درجلددوم جهت معلومات مزید شماخلاصهٔ از تاریخچهٔ طبابت افغانستان تهیه کرده ام، که انشاءالله سبب سرور خاطرورفع عطش دانش شمارا درقسمت این عنوان دلچسپ می

ماه سپتمبر ...

افغانستان مینگرد که باسر بریدهٔ یک مسلمان شهیدتوپ بازی میشود باخود میگگیرند و میگویند این که سچه مسلمانی است؟ میدانند که در روز قیامت به اساس تدریسات قرآن کریم پرسیده میشود که این طفل نوتولد و آن مادر در حال زایمان «روی کدام گناه کشته شده اند». میدانند که قرآن کریم یاد دهانی ساخته «کیست ظالمتر از کسانی که مسجد را تخریب می کنند».

مردم سچه مسلمان افغانستان هر روز و در هر نماز توکل به خدا دارند، مخصوصا توکل به کسانیکه بعضی ها آنها را کافر میدانستند ولی امروز به آنها توکل دارند که سچه مسلمانی نیست. مردم سچه مسلمان افغانستان، به پیروی از خدا، رسول الله ایمان دارند و میدانند هر کسیکه به مقابل دولت اسلامی اسلحه بر میدارد، باغی شمرده میشوند. سچه مسلمانان افغانستان ،میداننند که در قرآن کریم اضافه از دوصد مرتبه ایات متبرکه که در بارهٔ ظلم، ظالم و مظلوم نازل شده و بر ظالم از یارش نبودن تا لعنت بر ظالم تا اجازه داده شده به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده بخاطر اینکه آنها مورد ظلم (مورد ظلم قرار گرفتن مشروعیت جهاد) واقع شدند و به درستی که خدا به یاری آنها قادر است □ آیات متبرکه که به ما تدریس شده است. سچه مسلمانان افغانستان به خانم ها احترام دارند زیرا خداوند متعال در قران معظم رهنمای عالمیان فرموده که □ زن لباس مرد است و مرد لباس زن □ و هم امر نازل شده که □ هم نفس تان بشما حق دارد و عم زوج تان □. سچه مسلمانان افغانستان میدانند که خداوند□ فرمود: □ پروردگار تو صاحب رحمت و بخشاینده است واگر به اساس کردار شان آنها را مواخذه میکرد برای عذاب شان عجله میکرد بلکه برای شان موعدی است که هر گز نیابند به جز آن راه فرار □ یعنی از آن موعد گریختنی نیستند دیر یا زود به کیفر اعمال میرسند....و قس علی هذا.

به امید آتش بس پایدار، صلح راستین و دایمی، همکاری با سچه مسلمانان راستین افغانستان، و افغانستان مستقل و آزاد و خود اراده نه نوکر پاکستان و دیگران....موفقیت و سر فرازی برای شرکت کنندگان این مذاکرات بین الافغانی از دربار الهی استدعا میدارم. دست بلند کرده از دربار الهی □ استدعامیدارم که خدایا دشمنان افغانستان و ظالمان مردم افغانستان را براه راست و مستقیم هدایت کن، برقلب شان ترخم بیفزا تا ازظلم دست بکشند و نور حقیقت بینی را برایشان موهبت فرماو اگر آنرا نه پسندیدند راه ظالمانهٔ خود را تعقیب نمودند سنگین ترین جزا برایشان نازل فرما طوریکه ندانند از کجا و چطور آنها نابود ساخته شد ! آمین یا رب العالمین .

انتشارات تازه

دروود و تهنیت فرستاده، برای آنهایی که حیات دارند طول عمر با صحتمندی وسرور از دربارالهی تمنا دارم .

داکتران ومحصلان عزیز طب، درحقیقت این خاطرات برای شما نوشته شده است تا از تجارب تحصیلی مابیاآموزید واز دانش وتجربهٔ استادان دانشمند، زحمتکش برای اهتمامات بهترمریض یک لمحہ هم وقت تانرا ضایع نساخته تاحد امکان بشنوید، سؤال کنی ویادگیری. وهم هستندیک دسته استادانی که راستی وقت خود ووقت شمارا ضایع میسازند، مخصوصا آنهایی که مزین به اخلاق طبابت نیستند دوری جوئید وگفتهٔ استادمحترم ما مرحوم مغفور پروفیسر نظرمحمد سکندر را که به ماتوصیه کرده بود «:به مریضان تان دلچسپی داشته باشد. « مد نظرگیریید وهم عشقری مرحوم را که درشروع کتاب از آن نام برده شد، همیش بخاطر بسیارید: «داکتر خوب شوید. «

داکتر عبدالحکیم ضمیر، البوکرکی، نیومکسیکو، روز جمعه ۵ جولای ۲۰۲۰ – ۱۶ جوزا ۱۳۹۹ – ۱۳ شوال ۱۴۴۱

معرفی مختصر یک کتاب پرمحتوا و حاوی بیوگرافی صدها داکتر استاد و متخصص ومدرسین ورزیده وفارغان فاکولته های طب کابل وننگرهار را که بافتو تهای شان درج است، وبینده نیز در قطار آن شامل بوده ام، به آرزوی صحت وسعادت مولف دانشمند داکتر دستگیر و با ذکر مطلبی از صفحهٔ اخیر کتابش به پایان میرسانم :